



## سیر صعودی گراف جرایم جنایی در کابل؛

### در یک ماه گذشته ۲۷ تن کشته شده‌اند



همزمان با اجرایی شدن طرح «میثاق امنیتی»، گراف جرایم جنایی در پایتخت و قتل‌های برخاسته از آن، سیر صعودی گرفته است. بر اساس آمارها، ۲۷ شهروند کابل در جریان یک ماه اخیر از سوی دزدان و افراد مسلح کشته شده‌اند. این در حالی است که مردم از افزایش ناامنی در روزهای اخیر شاکه اند و می‌گویند که حتی اجرایی شدن میثاق امنیتی هم نتوانسته است دوی درد ناامنی کابل شود. آنان می‌گویند، توقع می‌رفت که با اجرایی شدن میثاق امنیتی، میزان جرایم در سطح شهر کاهش یابد، اما دیده می‌شود که برخلاف توقعات، میزان جرایم جنایی در پایتخت سیر صعودی گرفته است. باشندگان کابل نهادهای امنیتی را به ناتوانی متهم می‌کنند و می‌گویند که نیروهای امنیتی نتوانسته‌اند مجرمان و سارقان را سرکوب و بازداشت کنند. نهادهای امنیتی هرچند این ناامنی‌ها را شهر کابل را تایید می‌کنند، اما می‌گویند که تلاش‌هایشان برای کاهش جرایم را افزایش داده‌اند.

۳



## نشست عمومی هیأت دولت و طالبان؛

### بحث بر سر تعیین اجندای مذاکرات بین‌الافغانی به دیدار بعدی موکول شد

۳

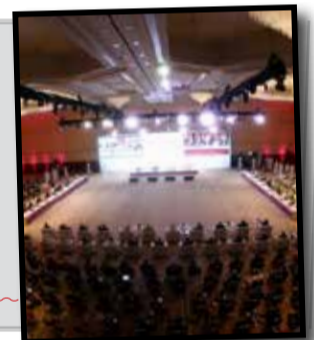
## «کار کردن در افغانستان برایم رویا بود»

۵

## گفت‌وگوی بازرگانان و جنگ‌جویان (و پی آمدهای آن)

مذاکرات معطوف به صلح، مستلزم اراده و همکاری طرف‌های منازعه برای ختم جنگ و روند مسالمت آمیز حل اختلافات است. بنا بر این، مذاکرات موفق نیازمند آن است تا طرفین به درک مشترکی از سابقه جنگ رسیده و آماده باشند روی دلایل و موضوعات منازعه با هم صحبت کنند. اما موفقیت این روند، در قدم نخست متأثر از سابقه، برنامه‌ها و اهداف اعضای گروه‌های مذاکره‌کننده است.

۴



## مذاکرات بین‌افغانی:

## شهرهای ۱۵ دقیقه‌ای یا استراتژی کلان‌شهرها در مقابله با کووید-۱۹



امروزه تغییرات سبک زندگی در تمامی جهان به سمت توسعه شهرنشینی بوده است. طی سی سال آینده جمعیت شهری دنیا حداقل ۲.۵ میلیارد نفر افزایش خواهد داشت. این تغییرات در جهان سوم با سرعت بیش‌تری انجام می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که شهرهای آسیایی در ۱۵ سال آینده، ۳۴۰ میلیون نفر افزایش جمعیت داشته باشند.

۶

## باشندهگان بلخ در اعتراض به بهای بلند برق تظاهرات کردند

۸صبح، بلخ: شماری از باشندهگان ولایت بلخ در اعتراض به بهای بلند برق در این ولایت راهپیمایی کردند.

معترضان روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم سنبله، در بلخ راهپیمایی اعتراضی خواهان کاهش پول برق شدند.

این معترضان هشدار دادند که اگر به خواست آن‌ها رسیده‌گی نشود، به رسم اعتراض دروازه‌ی ریاست برشنای بلخ را برای یک هفته می‌بندند. معترضان در بلخ می‌گویند که بهای برق «سنگین و کمرشکن» است و باید کاهش یابد. آن‌ها می‌گویند که بهای برق در ولایت بلخ نسبت به سایر ولایات بلندتر است.

به گفته معترضان، مردم در بلخ برای هر کیلووات برق ۶.۵ افغانی می‌پردازند، در حالی که در ولایت‌هایی مانند کابل، قیمت هر کیلووات برق از ۲.۵ افغانی شروع می‌شود.

اعتراضات در پیوند به برق از مدت‌ها به این سو جریان دارد. بیش‌تر اعتراضات در رسانه‌های مجازی همه‌گانی متمرکز بوده است.

اما سرانجام معترضان به بهای برق حرکت‌های اعتراضی خیابانی را نیز آغاز کردند.

پیش‌تر شرکت برشنا گفته بود که روی طرحی کار می‌کند که براساس آن بهای برق در تمامی ولایات یکسان می‌شود.

این طرح قرار است از سوی برشنا به مجلس نماینده‌گان فرستاده شود.



## افغانستان برای اولین بار عضویت «کمیسیون مقام زن سازمان ملل» را به دست آورد



۸صبح، کابل: نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد اعلام کرده است که افغانستان در انتخابات «کمیسیون وضعیت زنان سازمان ملل متحد» برای یک دوره چهارساله (۲۰۲۱ - ۲۰۲۵) به عنوان عضو این اولین بار است که افغانستان عضویت این کمیسیون را پس از عضویت در سازمان ملل متحد به دست می‌آورد.

نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد از عضویت کشور در کمیسیون وضعیت زنان سازمان ملل متحد به عنوان «پیروزی تاریخی» یاد کرده است.

این نماینده‌گی از همه اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد که به عضویت افغانستان رای داده‌اند، سپاس‌گزار کرده است.

در اعلامیه نماینده‌گی دایمی افغانستان در

## در حمله طالبان بر خانه ولسوال بره‌کی برک لوگر برادر و محافظش کشته شدند

۸صبح، کابل: احمدویس عبدالرحیم‌زی، ولسوال بره‌کی برک ولایت لوگر می‌گوید که افراد وابسته به گروه طالبان دوشنبه‌شب بر خانه‌اش حمله کرده‌اند. عبدالرحیم‌زی روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم سنبله، به روزنامه ۸صبح گفت که در این حمله برادر و یک محافظش جان باخته‌اند و یک برادر دیگرش زخمی شده است.

## یک استاد دانشگاه ننگرهار ترور شد

۸صبح، ننگرهار: مقامات محلی در ننگرهار می‌گویند که آدم‌خان ملاتر، استاد دانشگاه از سوی تفنگ‌داران ناشناس کشته شده است. عطاءالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار گفته است که این رویداد حوالی ساعت ۷:۰۰ صبح روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم سنبله، هنگامی رخ داد که آدم‌خان ملاتر به سوی وظیفه‌اش می‌رفت.

به گفته او، این رویداد در منطقه حکیم‌آباد، از مربوطات ولسوالی خوگیانی رخ داده است. آدم‌خان ملاتر استاد دانشکده ادبیات پشتو در دانشگاه ننگرهار بود و پیش از این به عنوان استاد دانشگاه بدخشان نیز وظیفه اجرا کرده بود.

گفتنی است که هیچ فرد یا گروهی هنوز مسوولیت این رویداد را برعهده نگرفته است. این در حالی است که ترور شخصیت‌های علمی کشور در روزهای اخیر افزایش یافته است. عبدالباقی امین، رییس شورای علمی وزارت معارف نیز در اواخر ماه گذشته در کابل ترور شده بود.



## اشتراک‌کنندهگان گردهم‌آبی صلح در هرات: آتش بس فوری برقرار شود



شماری از اعضای پیشین گروه طالبان باور دارند، حضور افراد منتسب به جریان‌های سیاسی گوناگون در هیأت گفت‌وگوکننده جمهوری اسلامی افغانستان و وابسته‌گی برخی چهره‌های حاضر در ترکیب هیأت طالبان، سبب ایجاد موانع در پیش‌برد گفت‌وگوهای صلح خواهد شد. اعضای نهاد «مجمع مردمی صلح» که رهبری آن را یکی از فرماندهان پیشین طالبان بر عهده دارد...

۷



# در پی آتش سوزی در کمپ موریای یونان بیش از هشت هزار پناهجوی افغان بی سرپناه شده‌اند



© Getty Images/M. Bicanski

مینی بر بازداشت‌گاه بودن کمپ جدید را رد کرده است. وزیر مهاجرت یونان به سفیر افغانستان گفته است که مطابق قانون این کشور حق ایجاد بازداشت‌گاه برای مهاجران را ندارد.

برخی از باشندگان بومی یونان نیز با ایجاد کمپ پناهجویان در مناطق شان مخالفت کرده‌اند و حتا احتمال درگیری را نیز بالا برده است.

با این حال، سفیر افغانستان در یونان از مهاجران افغان می‌خواهد که با نهادهای امداد رسان و دولت یونان همکاری باشند و از حوصله‌مندی کار بگیرند.

سفیر افغانستان در یونان به ۸ صبح گفت که نهادهای بین‌المللی و یونان از کمک‌رسانی به مهاجران اطمینان داده‌اند.

با این حال، میرویس صمدی از مهاجران افغان خواست که خویشتن‌داری کنند و از هر نوع کاربرد خشونت که سلامت خودشان و دیگران را به خطر بیندازند، خودداری کنند.

میرویس صمدی گفت که سفارت افغانستان در یونان در تماس دوام‌دار با مهاجران قرار دارد و از جانب دیگر با نهادهای امداد رسان و دولت از نزدیک کار می‌کند تا مشکل پناهجویان افغان را به زودی حل کند.

رضا باهر، سخنگوی وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان می‌گوید که به مهاجران افغان در کمپ موریای از سوی نهادهای بین‌المللی امدادگر کمک‌رسانی شده است.

سخنگوی وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان افزود که آتش سوزی تلفات در پی نداشته است، اما شمار زیادی از مهاجران افغان بی‌سرپناه شده‌اند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر روز دوشنبه با نشر اعلامیه‌ای اعلام کرد پناهجویان افغانستان در کمپ موریای از وضعیت رقت‌باری رنج می‌برند. این کمیسیون از نهادهای کمک‌کننده درخواست کرد تا به مدد پناهجویان افغان بشتابند.

سفیر افغانستان در یونان گفت که در ابتدا تلاش کرده است تا زمینه اسکان گروه‌های آسیب‌پذیر فراهم و برای آن‌ها «امنیت و مصونیت» تأمین شود. او کودکان و زنان بی‌سرپرست را جز گروه‌های آسیب‌پذیر دسته‌بندی کرد.

میرویس صمدی گفت که حدود ۴۰۶ کودک بی‌سرپرست یک روز پس از آتش سوزی به یکی از شهرهای یونان منتقل شدند که حدود ۹۰ درصد این کودکان افغان بوده‌اند.

سفیر افغانستان در یونان می‌گوید که دولت میزبانش دو برنامه را برای مدیریت آتش سوزی کمپ موریای روی دست گرفته است.

به گفته او، در دو هفته اول تلاش می‌شود تا موضوع «ان، آب و سرپناه موقتی» مهاجران کمپ موریای حل شود و دولت یونان در نظر دارد تا این مهاجران را در مدت چهار ماه به یک مکان دیگر منتقل کند. میرویس صمدی از جانب دیگر گفت که یونان یک کمپ جدید را برای جابه‌جایی مهاجران در نظر گرفته است، اما پناهجویان به این کمپ نمی‌روند.

آقای صمدی گفت که مهاجران استدلال می‌کنند که باید به آن‌ها اجازه داده شود تا از یونان به دیگر کشورهای اروپایی بروند، اما دولت یونان این اجازه را نمی‌دهد.

سفیر افغانستان تأکید کرد که تحقق این خواست مشکل است و به همین دلیل جنجالی شده است. میرویس صمدی گفت که جنجال بین دولت یونان و مهاجران بر سر این موضوع تا اندازه‌ای مدیریت جابه‌جایی پناهجویان کمپ موریای را با کندی روبه‌رو کرده است.

از نظر پناهجویان، کمپ جدیدی را که دولت یونان در نظر گرفته است، بیش‌تر حکم «بازداشت‌گاه» را دارد.

سفیر افغانستان در آتن اما گفت که وزیر مهاجرت و پناهنده‌گی یونان در تماسی به او ادعای مهاجران

**۸ صبح، کابل:** مسوولان در سفارت افغانستان در یونان می‌گویند که تلاش‌ها برای اسکان مهاجران افغانی که پناه‌گاه‌های شان را در نتیجه‌ی آتش سوزی در کمپ موریای از دست داده‌اند، به سرعت ادامه دارد.

کمپ موریای واقع در جزیره لیسبوس یونان هفته گذشته آتش گرفت. میرویس صمدی، سفیر افغانستان در یونان روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم سنبله، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که هنگام آتش سوزی در این کمپ ۱۲ هزار و ۵۰۰ تن زنده‌گی می‌کردند.

آقای صمدی افزود که حدود ۷۰ درصد مهاجران در این کمپ افغان بوده‌اند که حدود هشت هزار و ۵۰۰ تن را تشکیل می‌دهد.

سفیر افغانستان در یونان گفت که از لحظه‌ای که آتش سوزی رخ داد با نهادهای بین‌المللی در امور مهاجران و نهادهای دولتی یونان در تماس بوده است تا زمینه اسکان مهاجران افغان را به زودترین فرصت فراهم کند.

میرویس صمدی تأکید کرد که میزان آتش سوزی گسترده بود، اما تلفات جانی در پی نداشت.



میرویس صمدی، سفیر افغانستان در یونان

او افزود که نهادهای امداد رسان بین‌المللی و دولت یونان مکان‌هایی را برای مهاجران در نظر گرفته‌اند و کمک‌های اولیه نیز به آن‌ها توزیع شده است.

## نشست عمومی هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان دیروز برگزار شد

**۸ صبح، کابل:** دومین نشست گروه‌های تماس هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان شام روز دوشنبه، بیست‌وچهارم سنبله در دوحه برگزار شده است.

سخنگوی هیأت مذاکره‌کننده دولت و سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر گفته‌اند که در این نشست فیصله شده است تا نشست عمومی بین هیأت دو طرف دیروز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم سنبله برگزار شود.

نادر نادری، سخنگوی هیأت مذاکره‌کننده دولت، در توییتی نوشته است که گروه تماس دو طرف مذاکرات صلح در مورد کارشویه و اصول کاری بحث کرده و این کارشویه را برای ارائه به نشست عمومی آماده کرده‌اند.

محمدنعیم وردک، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان نیز در توییتی گفته است که در این نشست روی «چگونه‌گی شیوه‌ی کاری و تقسیم اوقات» گفت‌وگو شده است.



به گفته‌ی نعیم وردک، در نشست شام دوشنبه

## صلح، بدون توقف جنگ ممکن نیست

دومین نشست گروه‌های تماس هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان شام روز دوشنبه، بیست‌وچهارم سنبله، در دوحه برگزار شده است. سخنگوی هیأت مذاکره‌کننده دولت و سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر گفته‌اند که فیصله شده بود تا نشست عمومی بین هیأت دو طرف روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم سنبله، برگزار شود. به این ترتیب دیروز برای نخستین بار هیأت‌های دو طرف دور یک میز برای تصمیم‌گیری در مورد آینده افغانستان نشستند. البته ۲۵۰۰ کیلومتر این طرف‌تر و در داخل افغانستان جنگ و خون‌ریزی به شدت دوام دارد. طالبان در نشست دوحه به خبرنگاران گفتند که آن‌ها خشونت‌ها را کاهش داده‌اند. هیچ روزی نیست که خبر کشته شدن شمار زیادی از شهروندان کشور و یا سربازان دو طرف به گوش نرسد.

واقعیت این است که هیأت‌های حکومت افغانستان و طالبان به عنوان رهبران هر دو سوی درگیر، در هتول‌های پنج‌ستاره ثروت‌مندترین کشور دنیا علاوه بر رای‌زنی، شب و روز خود را می‌گذرانند، اما در ولایت‌های مختلف افغانستان روایت به گونه دیگری است. سربازان هر دو طرف علیه یک‌دیگر دست به ماشه‌اند و یک‌دیگر را می‌کشند. غیرنظامیان زیادی کشته می‌شوند، خانه‌های بسیاری ویران می‌شوند و سرمایه‌های ملی زیادی از بین می‌روند.

حکومت افغانستان می‌گوید که نخستین درخواستش آتش‌بس است. طالبان می‌گویند که آتش‌بس یکی از مسایل قابل بحث در مذاکرات صلح است. حالا که دو طرف تا این‌جای کار دور یک میز نشسته‌اند، باید اجازه بدهند که مردم افغانستان نیز نفس راحت‌تری بکشند. چه معنا می‌دهد که رهبران دو طرف در بهترین شرایط ممکن در یکی از کشورهای پیشرفته جهان شب و روز خود را به سر برسانند، اما مردم در داخل افغانستان هم‌چنان قربانی شوند؟

آتش‌بس اتفاقاً از سوی کشورهای مختلف جهان نیز از هر دو گروه تقاضا شده است. در تازه‌ترین مورد، وزیر خارجه آلمان وضع افغانستان را نگران‌کننده خواند و حملات مرگ‌بار اخیر در این کشور را به شدت محکوم کرده است. او آتش‌بس را نیازی برای پیش‌رفت روند صلح خواند و گفته است که طالبان باید به مذاکرات سیاسی تعهد صریح داشته باشند.

تردیدی نیست که نخستین گام برای صلح، اعتمادسازی و کاهش خشونت و آتش‌بس است. اگر جنگ هم‌چنان دوام داشته باشد، ممکن است بر مذاکرات دوحه تاثیر منفی بگذارد. طالبان باید درک کنند که آتش‌بس تنها خواست دولت نیست، بلکه خواست تمام مردم افغانستان است.

آتش‌بس از سوی حکومت و مخالفان حکومت برای هر دو جانب یک استراتژی برد-برد تلقی خواهد شد. علاوه بر این‌که هر دو جانب و هم‌چنین مردم افغانستان، از این آتش‌بس سود می‌برند، یک درک واضح و روشن از پشت پرده‌های جنگ نیز به دست خواهد آمد و آن‌ها این‌که ریشه‌های مداخله خارجی در افغانستان در حال ضعیف شدن است و در صورت وجود اراده قوی ملی، رسیدن به یک صلح همه‌جانبه و پایدار نزدیک است.

به میان آمدن آتش‌بس بدون میانجی‌گری خارجی‌ها، خود یک نقطه قوت و امیدوارکننده خواهد بود و نشان خواهد داد که ابزارهای مداخله خارجی در حال کند شدن است و صلح و آشتی تنها با اجماع داخلی و تلاش‌های فعال همه‌ی شهروندان میسر خواهد شد. شکل‌گیری روحیه گسترده اجتماعی برای صلح‌خواهی و نفرت از جنگ نیز برای هر دو طرف این فرصت را فراهم خواهد کرد تا ثابت کنند که هر آن‌چه در توان دارند، برای تحقق این خواست مردم به کار می‌برند و به این ترتیب از میزان ناامیدی مردم نیز به پیمان‌های زیادی کاسته خواهد شد.

مردم افغانستان از این آتش‌بس دو جانبه، به دست‌آوردهایی دست خواهند یافت که اهمیت جدی در تحلیل اوضاع کشور و تصمیم‌گیری آنان دارد؛ درک دقیق‌تر از ماهیت و عوامل خارجی جنگ و این‌که این نزاع و خشونت، ریشه داخلی ندارد و هر دو طرف که در سنگرها کشته می‌شوند، قلباً نیت و اراده کشتن هم‌دیگر را ندارند. درک بهتر و بیش‌تر این نکته به ملت کمک می‌کند که از دام‌های بیش‌تر سازمان‌های استخبارات خارجی و توسعه منازعات اجتناب کنند، مخصوصاً تفرقه‌افکنی‌های قومی، نژادی، سمتی و دور کردن مردم به بهانه‌های مختلف از یک‌دیگر. اما در صورتی که طالبان آتش‌بس را در جریان مذاکرات دوحه قبول کنند و این اتفاقات منجر به شکست مذاکرات شود، مشخص خواهد شد که آرامش، ثبات و صلح در افغانستان برای شان اولویت ندارد و ممکن است بار دیگر افغانستان به کانون امن تروریست‌های چندملیتی از سراسر جهان بدل شود.

## یک نیروی امنیت ملی در انفجاری در ننگرهار جان باخت

**۸ صبح، کابل:** در پی انفجاری در شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار یک نیروی امنیت ملی کشته و سه تن دیگر زخمی شده‌اند.

این انفجار ناشی از مواد انفجاری جاسازی شده در گلدان جاده بوده است. به گفته مقامات در ننگرهار، انفجار ساعت ۹:۴۵ صبح روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم سنبله در ساحه انگور باغ از مربوطات ناحیه دوم شهر جلال‌آباد، به وقوع پیوسته است.

عطاءالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار می‌گوید که در این انفجار یک سرباز امنیت ملی کشته شده است.

طبق معلومات خوگیانی، سه سرباز دیگر امنیت ملی نیز در این انفجار زخمی شده‌اند. مسوولیت این انفجار را فرد و یا گروهی بر عهده نگرفته است.

## نشست عمومی هیأت دولت و طالبان؛

# بحث بر سر تعیین اجندای مذاکرات بین‌الافغانی به دیدار بعدی موکول شد

فوزیه کوفی، احمدنادر نادری و خالد نور عضویت گروه تماس دولت را داشتند و طالبان نیز شیرمحمد عباس ستانکزی، مولوی شهاب‌الدین دلور، مولوی عبدالکبیر، ملا نورالله نوری و شیخ قاسم ترکمن را برای بحث روی اصول پیش‌برد مذاکرات انتخاب کرده بودند. نشست برای نهایی ساختن اصول رفتاری قرار است در روزهای آینده نیز ادامه یابد.

این در حالی است که اعضای مجلس سناروز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم سنبله، در نشست عمومی این مجلس هم‌زمان با استقبال از پیش‌رفت در مذاکرات صلح، خواستار کاهش خشونت‌ها در کشور شدند. آن‌ها گفتند باید جلو افرادی که با استفاده از روش‌های گوناگون «در صدد سبوت‌آژ این روند ملی‌اند»، گرفته شود. فضل‌هادی مسلم‌یار، رییس مشرانو جرگه، در این نشست گفت که روند صلح یک روند ملی است و نباید این روند برای منافع شخصی برخی از افراد، آسیب ببیند. وی افزود که این روند حمایت اعضای مشرانو جرگه را با خود دارد. هیأت دولت پیش‌تر بر کاهش خشونت‌ها در کشور تاکید کردند و گفتند که این مورد اولویت اجندای دولت را تشکیل می‌دهد. یک منبع نیز به ۸ صبح گفته بود که زلمی خلیل‌زاد در جریان روند رهایی زندانیان، وعده برقراری آتش‌بس شش‌ماهه را به محض آغاز یافتن مذاکرات داده است؛ موردی که هنوز منابع رسمی در حکومت پیرامون آن چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که برخی از مقام‌های حکومت و خبرنگاران هم‌سو با طالبان پیش‌تر با لحن تند در جریان مذاکرات صحبت کرده‌اند. به گفته اعضای هیأت مذاکره‌کننده اما روابط افراد حاضر در روند مذاکرات بین‌الافغانی تاکنون «خوب» ادامه یافته است.

مذاکرات بین‌الافغانی در بیست‌ودوم سنبله با حضور نماینده‌گان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، در دوحه گشایش یافت. هرچند احتمال می‌رفت که گفت‌وگوهای رسمی میان دو طرف پس از یک روز بحث گروه‌های تماس آغاز شود، اما این روند به دلیل زمان‌بر شدن بحث روی اصول رفتاری مذاکرات، به تاخیر افتاد. گفتنی است که افراد دخیل در مذاکرات بین‌الافغانی، این روند را زمان‌بر خوانده و گفته‌اند که احتمال دارد دور اول آن هفته‌ها و ماه‌ها طول بکشد.



خواسته شده است که گفت‌وگوها را از راه مسالمت‌آمیز به پیش ببرند و در جریان آن، حوصله‌مند بمانند. گروه‌های تماس حکومت و طالبان برای دو روز روی اصول پیش‌برد مذاکرات بحث و گفت‌وگو کردند و سرانجام روی برخی از نکات به توافق رسیدند. منابع دولت و طالبان در دوحه روز دوشنبه، بیست‌وچهارم سنبله، گفتند که دو طرف روی «اصول رفتاری و ماهیت پیش‌برد نشست‌ها» و «زمان‌بندی نشست‌ها» بحث کرده‌اند. به گفته این منابع، گروه‌های تماس موفق شدند که همه‌ی مواد را در جریان دو روز گفت‌وگو، برای تصمیم‌گیری نشست عمومی آماده کنند. با این حال، هیچ‌گونه جزئیاتی از این که اصول رفتاری میان دو طرف چگونه مراعات خواهد شد، به رسانه‌ها درز نکرده است. نماینده‌گان دولت و طالبان در مذاکرات بین‌الافغانی نیز در این مورد چیزی نمی‌گویند. پیش‌تر، برخی از خبرنگاران از حضور در نشست‌های بعدی محروم و دوباره به کابل فرستاده شدند. گفتنی است که محمدمعصوم ستانکزی، محمد ناطقی، عنایت‌الله بلیغ، ضاراحمد مقبل،

دفتر سیاسی طالبان در قطر، گفت که در این نشست عمومی، محمدمعصوم ستانکزی، رییس هیأت مذاکره‌کننده دولت و شیخ عبدالحکیم، رییس هیأت مذاکره‌کننده طالبان، سخنرانی و تصریح کردند که پس از «نهایی شدن کار باقی‌مانده گروه‌های تماس بر سر اصول رفتاری و زمان‌بندی مذاکرات»، نشست برای تعیین اجندای گفت‌وگوها برگزار می‌شود. سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر در ادامه تصریح کرده است که در جریان این نشست روی بیش‌تر مواد اصول رفتاری مذاکرات توافق شده است و تنها بخش کمی از آن باقی مانده است. هم‌زمان با این، چهار تن برای «ارتباط» و «تماس» انتخاب شده‌اند که سهم هر طرف در آن، دو نفر خوانده شده است. رییس هیأت‌های مذاکره‌کننده دولت و طالبان هم‌چنان در جریان سخنرانی‌شان از اعضای هیأت خواسته‌اند که از «صبر» و «حوصله» در جریان مذاکرات کار گیرند. با این حال، این که دو طرف روی کدام نکات توافق کرده‌اند، مشخص نشده است. پیش‌تر، منابع گفته بودند که در اصول رفتاری مذاکرات، از دو طرف

دوحه اواخر روز سه‌شنبه شاهد برگزاری نشست عمومی میان هیأت مذاکره‌کننده دولت و هیأت گروه طالبان بود که مسالمت‌آمیز دنبال شده است. در این نشست، دو طرف هم‌زمان با بحث روی «اصول رفتاری» که از سوی گروه تماس دولت و طالبان در جریان روزهای گذشته شکل گرفته بود، تصریح کردند که نشست برای تعیین اجندای مذاکرات بین‌الافغانی پس از نهایی شدن «اصول رفتاری» و «زمان‌بندی مذاکرات»، برگزار می‌شود. رییس هیأت دو طرف هم‌چنان از حاضران در میز مذاکره خواستند که صبور باشند و در جریان بگویم‌گوها «تحمل» پیشه کنند. با این حال، حضور نیافتن قابل ملاحظه خبرنگاران در قطر سبب شده است که جزئیات از نشست‌هایی که در دوحه دنبال می‌شود، به ندرت در اختیار رسانه‌ها قرار گیرد. هرچند هیأت دولت بر کاهش آتش‌بس به عنوان اولویت اجندای این مذاکرات تاکید دارد، اما منابع طالبان می‌گویند که چنین چیزی پیش از وقت است و باید برخی مسائل پیش از بحث روی آتش‌بس، میان دو طرف مطرح شود.

مذاکرات بین‌الافغانی میان هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان وارد پنجمین روز آن شد. با این حال تاکنون دو طرف تنها توانسته‌اند پیرامون «اصول رفتاری» و «زمان‌بندی» مذاکرات بحث کنند. محمد ناطقی، عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت، به روزنامه ۸ صبح گفت که در نشست عمومی روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم سنبله، همه‌ی اعضای هیأت دو طرف حضور داشتند و نشست در فضای «خوب» دنبال شده است. وی افزود که دو طرف «تنها دیدگاه‌ها و بیانیه‌های» شان را مطرح کردند. هم‌زمان با این، محمدنعیم، سخنگوی



حسب بهش

## سیر صعودی گراف جرایم جنایی در کابل؛

# در یک ماه گذشته ۲۷ تن کشته شده‌اند

نامعلوم اعلام کرد. پولیس تصریح کرد که خانواده مقتول در نخستین اظهارات‌شان گفته‌اند که چندی پیش حسین شایقی توسط برخی افراد تهدید شده بوده است.

علاوه بر این، روز چهارشنبه، نوزدهم سنبله، موثر حامل امرالله صالح، معاون نخست ریاست جمهوری، هدف انفجار ماین تعبیه شده قرار گرفت. هرچند در این حادثه به آقای صالح آسیب جدی وارد نشد، اما مقام‌های امنیتی گفته‌اند که در این رویداد حدود ده تن کشته و ۱۵ تن دیگر زخمی شده‌اند. مسوولیت این حمله را تاکنون کسی یا گروهی برعهده نگرفته است. در همین حال پولیس کابل تأیید می‌کند که در یک ماه گذشته ۲۷ تن به دلایل مختلف در شهر کابل کشته شده‌اند. فردوس فرامرز، سخنگوی پولیس کابل، به ۸ صبح گفت که انگیزه این قتل‌ها سرقت‌های مسلحانه، موضوع ناموسی و دشمنی‌های خانواده‌گی بوده است. وی هم‌چنان بیان داشت که پولیس توانسته است ۱۷۲ تن را در پیوند به جرایم مختلف بازداشت کند که از این میان ۲۸ تن آنان در پیوند به قتل‌ها بازداشت شده‌اند. علاوه بر این، فرامرز بیان داشت که پولیس کابل در زمینه مبارزه با جرایم جنایی پرده‌برداری کرده است. به گفته‌ی او در یک ماه گذشته، پولیس کابل توانسته است از انفجار ۴۳ حلقه ماین مقناطیسی و کنار جاده‌ای در شهر کابل جلوگیری کند. او هم‌چنان افزود که پولیس کابل برای کاهش جرایم جنایی گزیده‌های شبانه را در نقاط آسیب‌پذیر شهر کابل افزایش داده تا میزان جرایم کاهش یابد. او به مردم اطمینان داد که پولیس تلاش می‌کند تا سطح جرایم را در شهر کابل کاهش دهد.

گفتنی است که افزایش ناامنی و جرایم جنایی یک معضل جدی برای شهروندان کابل پنداشته می‌شود. باشندگان کابل بارها از افزایش این پدیده‌ها شکایت داشته‌اند. نهادهای امنیتی هرچند بارها برای کاهش جرایم جنایی برنامه‌هایی را طرح کرده‌اند، اما تاکنون این برنامه‌ها موثر نبوده است.



بیش‌تر مرتکب جرم‌های جنایی شوند. رفیع، باشندده دیگر شهر کابل است. او نیز از افزایش جرایم جنایی و سرقت‌های مسلحانه در سطح شهر کابل انتقاد می‌کند و می‌گوید که در این اواخر میزان جرم و جرایم افزایش یافته است. او گفت که دزدان مسلح بدون کدام هراس و ترس در سطح شهر فعالیت دارند و در جریان روز دست به سرقت می‌زنند. او افزود: «دو سه روز قبل دزدان مسلح در منطقه پل سرخ راه یک نفر را گرفتند و تمام دار و ندارش را با خود بردند. مردم نیز به دلیل این که وی مسلح بود، کاری نتوانستند. این‌گونه دزدی زیاد صورت می‌گیرد. متأسفانه نیروهای امنیتی نتوانسته‌اند جلو این دزدی‌ها را بگیرند.»

این شکایت‌ها در حالی صورت می‌گیرد که کمیسیون امور دفاعی و امنیت داخلی مجلس سنا نیز از افزایش ناامنی در شهر کابل و سایر شهرها انتقاد می‌کند. مجلس سنا، روز گذشته سرپرست وزارت امور داخله و سرپرست ریاست عمومی امنیت ملی را به دلیل تهدیدات در شاهراه‌ها، تشدید جنگ از سوی طالبان و جرایم جنایی و سرقت‌های مسلحانه در این مجلس فرا خوانده بود.

این در حالی است که در تازه‌ترین رویداد یک داکتر جوان به نام «حسین شایقی» حوالی ساعت ۸ شب دوشنبه هفته گذشته، توسط افراد ناشناس در حوزه هژدهم پولیس به قتل رسید. پولیس انگیزه قتل را

خاطر جمع و با آرامش خاطر نمی‌توانند در سطح شهر گشت‌وگذار کنند و یا هم به فعالیت‌شان ادامه دهند. او از نهادهای امنیتی خواست که در بخش تأمین امنیت پایتخت جدی عمل کنند و مردم را از ناحیه ناامنی‌ها و سرقت‌های مسلحانه نجات دهند. مژگان حسینی، فعال فرهنگی و اجتماعی، می‌گوید که افزایش کم‌پیشینه جرایم جنایی در شهر کابل، مایه‌ی نگرانی همه‌ی خانواده‌ها و شهروندان شده است. خانم حسینی تصریح می‌کند که باشندگان شهر کابل حتا در جریان روز از ترس به شماری از ساحات رفت‌وآمد نمی‌توانند. او گفت: «از ترورها و حملات بزرگ که در داخل شهرها بگذریم، مردم بی‌گناه و غریب‌کار به اشکال مختلف در کابل قربانی می‌شوند.»

مژگان حسینی خاطر نشان کرد که جرایم جنایی در این اواخر، پایتخت‌نشینان را وحشت‌زده کرده است، اما نیروهای امنیتی جلو فعالیت گروه‌های کوچک و افرادی را که دست به جرایم جنایی می‌زنند، گرفته نتوانسته است. او از نیروهای امنیتی خواست که جلو فعالیت این مجرمان را بگیرند تا مردم در سطح شهر احساس آرامش داشته باشند. وی افزود که پایتخت‌نشینان در مرکزی‌ترین نقاط شهر کابل در ساعت‌های اول شب با خیال راحت و مطمئن رفت‌وآمد نمی‌توانند. به باور او، افرادی که دست به جرایم جنایی می‌زنند، کم‌تر مورد پی‌گرد قرار می‌گیرند و این امر سبب می‌شود که آنان

هم‌زمان با اجرایی شدن طرح «میثاق امنیتی»، گراف جرایم جنایی در پایتخت و قتل‌های برخاسته از آن، سیر صعودی گرفته است. بر اساس آمارها، ۲۷ شهروند کابل در جریان یک ماه اخیر از سوی دزدان و افراد



عبدالاحمد حسینی

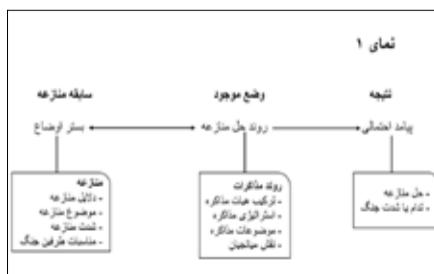
مسلح کشته شده‌اند. این در حالی است که مردم از افزایش ناامنی در روزهای اخیر شاک‌ی‌اند و می‌گویند که حتا اجرایی شدن میثاق امنیتی هم نتوانسته است دواى درد ناامنی کابل شود. آنان می‌گویند، توقع می‌رفت که با اجرایی شدن میثاق امنیتی، میزان جرایم در سطح شهر کاهش یابد، اما دیده می‌شود که برخلاف توقعات، میزان جرایم جنایی در پایتخت سیر صعودی گرفته است. باشندگان کابل نهادهای امنیتی را به ناتوانی متهم می‌کنند و می‌گویند که نیروهای امنیتی نتوانسته‌اند مجرمان و سارقان را سرکوب و بازداشت کنند. نهادهای امنیتی هرچند این ناامنی‌ها در شهر کابل را تأیید می‌کنند، اما می‌گویند که تلاش‌های شان برای کاهش جرایم را افزایش داده‌اند. سخنگوی پولیس کابل می‌گوید که در یک ماه گذشته نزدیک به ۲۰۰ تن در پیوند به جرایم جنایی و سرقت‌های مسلحانه بازداشت شده‌اند که از این میان ۲۸ تن آن‌ها در پیوند به قتل توسط پولیس گرفتار شده‌اند. علاوه بر این، پولیس کابل می‌افزاید که پلان‌های موثر روی دست دارند که با تطبیق آن‌ها میزان جرایم جنایی کاهش خواهد یافت.

لطیف یعقوبی، یک تن از باشندگان شهر کابل است. او می‌گوید که جرایم جنایی در این اواخر در سطح شهر افزایش یافته و هم‌روزه سرقت‌های مسلحانه، قتل و راهزنی در کوچه و پس‌کوچه‌های شهر کابل صورت می‌گیرد. به گفته او مسوولان امنیتی اما تا هنوز نتوانسته‌اند جلو این همه نابه‌سامانی را بگیرند. او گفت: «متأسفانه در نظام کنونی، به خصوص معاونت استراتژی و پالیسی وزارت امور داخله در بخش تأمین جان شهروندان ناکام بوده و یک برنامه مدون که گراف جرایم را کاهش دهد، طرح کرده نتوانسته است. همواره قتل، دزدی و سایر موارد در کابل صورت می‌گیرد، اما با مجرمان برخورد قانونی صورت نمی‌گیرد و دلیلش هم همین بی‌کفایتی مسوولان پنداشته می‌شود.» این باشندگان شهر کابل تصریح کرد که اکنون مردم با

♦ یعقوب ابراهیمی

با آغاز نشست‌های مقدماتی مذاکرات «بین‌افغانی» در دوحه، بررسی طرف‌های مذاکرات بین‌افغانی، سیاست‌ها، اولویت‌ها و اهداف آن‌ها و در مجموع روند مذاکرات برای شناخت پی‌آمدهای احتمالی این گفت‌وگوها در افغانستان مهم است. بدون این‌که بدانیم، طرف‌های مذاکره با چه سابقه و اهداف سیاسی وارد مذاکره می‌شوند و چه روش‌هایی برای رسیدن به اهدافشان دارند، دشوار است از نتایج احتمالی این روند سر در بیاوریم. از منظر ادبیات حل منازعه و مذاکرات صلح، طرفین مذاکره با توجه به پیشینه، برنامه‌ها و اهداف خویش، عموماً در دو چهره روی میز مذاکره ظاهر می‌شوند: بازگانان/دکان‌داران و جنگاوران. وقتی مذاکره میان دولت چندپارچه و گروه شورشی یک‌دست انجام می‌شود، اعضای مذاکراتی دولت در چهره‌ی مدافعان منافع گروهی و فردی‌ای که به نمایندگی از آن وارد مذاکرات شده‌اند نمایان می‌شوند. در مقابل، هیأت‌گفت‌وگوکننده‌ی گروه شورشی‌ای که برنامه‌ی مشخص و هدف واحدی را دنبال می‌کند، می‌کوشد در جریان مذاکرات با انسجام سخت‌گیرانه موضع بگیرد. در مجموع، در چنین گفت‌وگوها، هیأت مذاکراتی دولت به دلیل چندپارچه‌گی و تلاش برای حفظ شرایط موجود و با توسل به سیاست نرم در چهره‌ی بازگانان ظاهر می‌شود؛ در حالی که گروه شورشی به دلیل ناهم‌سویی با شرایط موجود و تلاش برای تغییر آن به نفع خویش، با روی دست گرفتن سیاست‌های سخت‌گیرانه در هیأت جنگاوران وارد گفت‌وگو می‌شود. در چنین اوضاع، روند و نتایج مذاکرات مکدر بوده و بدون تغییر این شرایط احتمال بن‌بست سیاسی کاملاً محسوس است.

در این چارچوب، پیش‌رفت مذاکرات بین‌افغانی، طوری‌که در نمای ۱ برجسته شده است، به چهار عامل یا متغیر بسته‌گی دارد: ترکیب هیأت‌های مذاکره‌کننده، استراتژی مذاکراتی طرفین، موضوعات مذاکره و نقش میانجیان بین‌المللی در روند مذاکرات. در عین حال چگونه‌گی روند مذاکره بسته‌گی به چهار رکن در بستر منازعه دارد که شامل دلایل منازعه، موضوع منازعه، شدت منازعه و پیشینه‌ی روابط طرفین می‌باشد. اگر مذاکرات خوب پیش برود، امکان دارد بستر منازعه را برای مصالحه فراهم کند. بر عکس، مذاکرات بد، شدید شدن اختلافات در جریان مذاکره، اتکای طرف‌های مذاکره به رفتار خصمانه و ملامت‌بار پیشین و منجمد ماندن آن‌ها در حوزه‌های اختلاف، می‌تواند بستر منازعه را گسترده‌تر ساخته و سبب شدت جنگ شود. بنا بر این، روند مذاکره در حالی که متأثر از بستر منازعه است، می‌تواند علت‌های جنگ را چاق‌تر ساخته و به شدت آن بیافزاید. در عین حال، روند و چگونه‌گی پیش‌رفت مذاکرات تعیین می‌کند نتیجه یا پی‌آمد احتمالی گفت‌وگوها خواهد بود. بنا بر این، ارکان روند مذاکره، به شمول ترکیب هیأت مذاکره‌کننده، استراتژی مذاکراتی این هیأت، موضوعاتی که طرفین وارد اجندای مذاکره می‌سازند و امکان توافق نسبی روی آن‌ها، و در نهایت نقش میانجیان بین‌المللی به خصوص در مواردی که امکان اختلاف روی آن‌ها جدی است، در عین حالی که بر کیفیت مذاکرات تأثیر دارد، تعیین‌کننده‌ی نتیجه یا پی‌آمد احتمالی گفت‌وگوها نیز می‌باشد (نمای ۱ را ببینید).



نمای ۱ نشان می‌دهد که اگر مذاکرات خوب پیش برود، امکان دارد دلایل منازعه را به مرور زمان خشکانده و به حل موضوعات منازعه و همکاری بیش‌تر میان طرفین برای رسیدن به موافقت‌نامه صلح کمک کند. بر عکس، اتکای طرف‌های مذاکره به اختلافات و گذشته‌ی خونین، تمرکز بر موضوعاتی که ممکن در کوتاه‌مدت امکان توافق روی آن وجود نداشته باشد و شفاف نبودن اهداف طرفین، در کنار این‌که مذاکرات را به بن‌بست می‌کشاند، می‌تواند به شدت جنگ بیافزاید. نوشته حاضر می‌کوشد عوامل چهارگانه‌ی مذاکرات بین‌افغانی را به شمول ترکیب

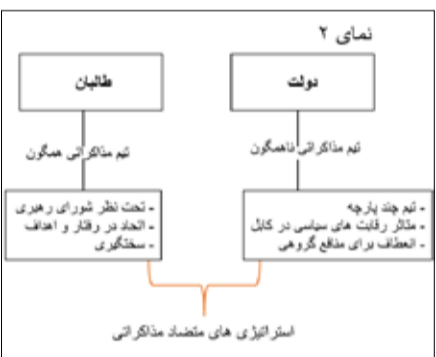
## مذاکرات بین‌افغانی:

# گفت‌وگوی بازرگانان و جنگ‌جویان (و پی‌آمدهای آن)

هیأت‌های مذاکره‌کننده دولت و طالبان، استراتژی مذاکراتی این دو هیأت، موضوعات مذاکره و نقش میانجیان بین‌المللی بررسی کند و با استفاده از آن پی‌آمدهای احتمالی این مذاکرات را توضیح دهد.

### ترکیب گروه‌های مذاکره‌کننده

مذاکرات معطوف به صلح، مستلزم اراده و همکاری طرف‌های منازعه برای ختم جنگ و روند مسالمت‌آمیز حل اختلافات است. بنا بر این، مذاکرات موفق نیازمند آن است تا طرفین به درک مشترکی از سابقه جنگ رسیده و آماده باشند روی دلایل و موضوعات منازعه با هم صحبت کنند. اما موفقیت این روند، در قدم نخست متأثر از سابقه، برنامه‌ها و اهداف اعضای گروه‌های مذاکره‌کننده است. بنا بر این، ترکیب هیأت‌های مذاکراتی در مراحل نخستین مذاکره تعیین‌کننده است. ترکیب هیأت‌های مذاکراتی دولت افغانستان و طالبان نشان‌دهنده دو گروهی است که در جریان مذاکرات و هم‌چنان برای دنبال کردن اهداف خودشان رفتار نامتجانس و متناقضی خواهند داشت. ترکیب این دو هیأت و پی‌آمد موضع‌گیری و رفتار آن‌ها در شرایط موجود در نمای ۲ بازتاب یافته است.

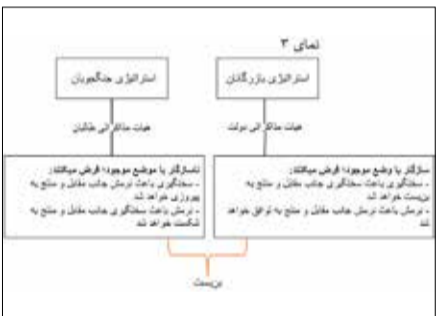


برحسب این نمودار، هیأت مذاکراتی طالبان هیأت هم‌گون و مستقیماً تحت اداره‌ی «شورای رهبری طالبان» در کوپته قرار دارد. هدف از جابه‌جایی‌های اخیر در اعضا و رهبری مذاکراتی تیم طالبان، قراردادن این گروه تحت نظارت مستقیم شورای کوپته بوده است. اکثر اعضای هیأت مذاکره‌کننده طالبان اعضای شورای کوپته و اعضای دفتر نظارت شورای کوپته کار می‌کنند. به این اساس، تیم مذاکراتی طالبان، تیم یک‌دستی است که در رفتار و چانه‌زنی‌ها در جریان مذاکرات هدف واحدی را دنبال می‌کند. این گروه با اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه در جریان مذاکرات برای به کرسی نشاندن اهداف و منافع حداکثری طالبان خواهند کوشید. عمده‌ترین هدف حداکثری طالبان وارد شدن به کابل به عنوان قدرت اصلی و ادغام نظام کنونی در پیکر چیزی شبیه امارت اسلامی است، نه ادغام شدن در نظام کنونی از طریق مشارکت در قدرت که آرزوی دولت افغانستان است. البته این هدف زیرمجموعه‌های فراوانی از جمله موفق امیرالمومنین در نظام آینده افغانستان، برپایی نظام اسلامی مبتنی بر ایدئولوژی امارتی طالبان، تصفیه دولت از «عناصر بیگانه» و جابه‌جایی نظام انتخاباتی کنونی با نظام اقتدارگرا است. طالبان در جریان مذاکرات با امریکاییان نیز یک‌دسته‌گی، سخت‌گیری و اصول‌گرایی‌شان را ثابت ساختند و در نتیجه‌ی آن امریکاییان را مجبور ساختند اسم امارت اسلامی را چهارده بار در موافقت‌نامه چهار صفحه‌ای بگنجانند. این روش موفقیت بزرگی را برای طالبان در زمینه افزایش مشروعیت سیاسی و بین‌المللی به آن‌ها به ارمغان آورد و این گروه از همین روش برای کسب مشروعیت داخلی در چانه‌زنی با هیأت مذاکره‌کننده‌ی دولت نیز استفاده خواهد کرد. بنا بر این، هیأت مذاکره‌کننده‌ی چندپارچه و بی‌تجربه دولت نباید با انتظار نرمش از سوی طالبان روی میز مذاکره بنشیند. موضع‌گیری هیأت چندپارچه و پراکنده‌ی دولت که هر عضو آن حامی منافع و اهداف گروه‌های سیاسی مختلف‌اند و حتا در مواردی به نمایندگی از افراد خاص تعیین شده‌اند، شدیداً متأثر از تعاملات سیاسی در کابل خواهد بود و بعید است تمام‌شان تا آخر پای روایت واحدی از افغانستانِ پسا-منازعه بایستند.

### استراتژی‌های مذاکره

مطالعات صلح نشان می‌دهد که طرف‌های

مذاکره‌کننده با توجه به سابقه، امکانات و اهداف خویش عموماً از دو استراتژی یعنی استراتژی جنگاوران و استراتژی بازرگانان در جریان مذاکره کار می‌گیرند. به طور مشخص، گروه‌های شورشی غالباً از استراتژی جنگاوران و هیأت رسمی دولت‌ها از استراتژی بازرگانان استفاده می‌کنند. طالبان تا حال ثابت کرده‌اند که به طور برنامه‌ریزی شده از استراتژی جنگ‌جویان که مستلزم سخت‌گیری برای رسیدن به اهداف حداکثری است، کار گرفته‌اند. استراتژی جنگ‌جویان که معمولاً برنامه‌ی گروه‌های ناسازگار با شرایط موجود است، بر این فرضیه بنا شده است که سخت‌گیری در مذاکره سبب نرمش جانب مقابل شده و در نتیجه به پیروزی گروه مذاکره‌کننده خواهد انجامید. در مقابل، بنا بر نبود اهداف حداکثری تعریف شده و مشترک در بین اعضای هیأت مذاکراتی دولت انتظار آن‌ها از طالبان برای مشارکت در قدرت، این هیأت از استراتژی بازرگانان یا دکان‌داران در جریان مذاکره کار خواهند گرفت. این استراتژی اصولاً برنامه‌ی گروه‌هایی است که در تلاش حفظ اوضاع موجود اند و بر این فرضیه بنا شده است که نرمش در مذاکرات باعث نرمش جانب مقابل شده و نهایتاً به موافقت‌نامه صلح خواهد انجامید. اما مطالعات منازعه نشان می‌دهد که استراتژی بازرگانان تنها زمانی نتیجه داده است که جانب مقابل در وضع ضعیف‌تری قرار داشته، برنامه‌های حداکثری سخت‌گیرانه نداشته و نشانه‌هایی از انعطاف در بین اعضای آن برای ادغام در نظام موجود مشاهده شده است. در فقدان چنین شرایط، امکان این که برنامه‌ی بازرگانان به پیروزی برسد، نادر است. هم‌چنان، در صورتی که نشانه‌هایی از همکاری و تعاون در یکی از گروه‌های مذاکراتی دیده نشود و طرفین با نگاه برد و باخت روی میز مذاکره بنشینند، گفت‌وگوها به بن‌بست خواهد رسید. نمای ۳ نشان‌دهنده‌ی آن است که استراتژی‌های مذاکراتی دولت و طالبان که هر کدام بر فرضیه‌ی «برد-برد» بنا یافته است، در فقدان شرایط مناسب، ممکن است مذاکرات بین‌افغانی را به بن‌بست بکشاند.



### موضوعات مذاکره

نتیجه‌ی مذاکرات پی‌آمد مستقیم موافقت یا عدم موافقت روی موضوعاتی است که در جلسات مذاکره طرح می‌شوند. در مذاکرات صلح، مواردی وجود دارند که روی آن از ابتدا توافق وجود داشته و نیازمند مذاکرات جدی نیستند و موارد مهمی نیز هستند که مورد اختلاف طرفین بوده و مستلزم گفت‌وگوهای موزج و طولانی‌اند. موارد مورد توافق که ممکن در جلسات مقدماتی گنجانده شوند معمولاً مواردی‌اند که از ابتدا توافق متقابل روی آن‌ها وجود دارند و در جریان مذاکرات صحبت زیادی روی آن صورت نمی‌گیرد؛ اما موارد اصلی مذاکره موارد مورد اختلاف طرفین است. در مسأله‌ی صلح افغانستان موارد مورد توافق میان دولت و طالبان موارد کلّی‌ای چون نیاز به صلح، یافتن راه‌حل‌های سیاسی و مسالمت‌آمیز، ایجاد دولت فراگیر و امثال آن است که در سخنرانی‌های افتتاحی مذاکرات دوحه نیز بازتاب یافتند. این‌ها مواردی‌اند که شاید در مقدمه اجندای مذاکرات گنجانده شوند اما در جریان مذاکرات صحبت جدی‌ای روی آن صورت نخواهد گرفت. اما موارد اصلی مذاکره، موضوعات مورد اختلاف طرفین است. لیست این موضوعات طولانی است: شرایط آتش‌بس، چگونه‌گی مشارکت طالبان در نظام سیاسی پس از توافق صلح، چپستی و نقش امیرالمومنین طالبان که از زمان تاسیس این گروه ستون اصلی هستی‌شناختی آن بوده است، مسأله‌ی پولوالیسم سیاسی، حقوق و آزادی‌های مدنی، نوع نظام سیاسی، معمای پناه‌گاه‌های طالبان در پاکستان، چگونه‌گی ادغام نظامیان طالبان در دولت، پیچیده‌گی‌های منطقه‌ای و موارد بی‌شمار

دیگری از این قبیل. موارد مهمی هم هستند مانند مسأله جنایات جنگی و مکانیسم‌های رسیده‌گی به آن که شاید با توجه به جو سیاسی حاکم، طرفین نخواهند شامل اجندای نخستین مذاکرات گردند. این در حالی است که مصالحه، زیستار مسالمت‌آمیز و آرامش خاطر از آنانی که جنگ و آدم‌کشی را وسیله‌ی رسیدن به قدرت دانسته‌اند، بدون رسیده‌گی به این جنایات ممکن نیست. از این لحاظ، مذاکره و توافق روی موضوعات پیچیده‌ی افغانستان که دارای جزئیات بی‌شمار و تاریخ خونین و پرجنالی است، امکان دارد سال‌ها وقت بگیرد، یا در فقدان میانجی موثر و پر قدرت در همان ابتدا شکست بخورد. نمای ۴، نمودار کلی‌ای موضوعات مذاکره میان دولت و طالبان و پی‌آمدهای احتمالی آن است.



### نقش میانجی‌ها

در منازعاتی که حوزه اختلافات طرف‌های جنگ بسیار گسترده است، امضای موافقت‌نامه‌ی صلح بدون نیروی سوم‌ای که نقش میانجی را به عهده گرفته و گفت‌وگوهای صلح را از نزدیک نظارت و مدیریت کند، ناممکن است. در جنگ‌هایی به بزرگی جنگ افغانستان، معمولاً دولت‌های ذی‌نفع چنین نقشی را بازی می‌کنند و سازمان‌های بین‌المللی می‌کوشند تسهیلات لازم را برای رسیدن به توافق صلح فراهم کنند. چنین میانجی‌ای تا هنوز، به طور آشکار و اعلام شده در مذاکرات افغانستان مطرح نشده است.

زلمی خلیل زاد که تا ماه فیبروری سال جاری در مذاکرات امریکا با طالبان رهبری تیم امریکا را به عهده داشت، توان پیش‌برد چنین نقشی را در مذاکرات بین‌افغانی به دو دلیل ندارد. نخست این‌که او تا آخرین دم از افزایش مشروعیت بیش‌تر به یکی از طرف‌های جنگ (طالبان) ابا نوریزد که این امر بی‌طرفی او را کاملاً خدشه‌دار ساخته است. دوم نقش جانب‌دارانه‌ی او به نفع طالبان بی‌اعتمادی زیادی را در داخل افغانستان نسبت به حسن نیت او افزایش داده است که چنین وضعی، حیثیت او را در هیأت میانجی، شدیداً لطمه می‌زند. بنا بر این، ایالات متحده اگر قصد دارد نقش میانجی موثر در مذاکرات صلح افغانستان را بازی کند، باید درباره هیأت ارسالی‌اش در قطر تجدید نظر کند. با وجود این، معلوم نیست روند مذاکرات افغانستان پس از انتخابات امریکا و احتمالاً شکست دونالد ترامپ در این انتخابات، به کجا خواهد کشید. اما اگر ایالات متحده می‌خواهد به حیث میانجی موثر وارد مذاکرات صلح افغانستان شود، نیازمند هیأت بی‌طرف و دارای برنامه‌های شفاف در امور افغانستان است.

علاوه بر امریکا، کشورهای منطقه نیز در مذاکرات صلح افغانستان نقش پیچیده‌ای را بازی خواهند کرد. اما این کشورها به دلیل مداخلات تاریخی و جانب‌داری از گروه‌های ویژه‌ی سیاسی در افغانستان اعتبارشان به حیث میانجی خیر را از دست داده‌اند. اما در میان کشورهای منطقه، پاکستان می‌تواند به عنوان رابط بین رهبری طالبان، دولت افغانستان و سایر دولت‌های دخیل در امور صلح نقش مؤثری داشته باشد. دست‌رسی و نفوذی را که سازمان استخباراتی پاکستان به هسته‌های اصلی گروه طالبان دارد، بعید است هیچ نیروی دیگری به شمول امریکا در توان داشته باشد. اما مؤثریت این کشور در روند مذاکرات صلح بین‌افغانی در سایه‌ی نگاه استخباراتی آن به موضوع افغانستان و در فقدان شفافیت و حساب‌دهی به جامعه‌ی جهانی و افکار عامه شدیداً زیر سوال می‌باشد.

ادامه در صفحه ۵

## مذاکرات بین‌افغانی:

گفت‌وگوی بازرگانان و جنگ‌جویان  
(و پی‌آمدهای آن)

حلقه سوم‌ای که می‌تواند در نقش میانجی مؤثر وارد ماجرای مذاکرات افغانستان گردد سازمان ملل، اتحادیه اروپا و کانادا است. این بازیگران که بیشتر از همه نگران مسأله حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک در افغانستان بوده‌اند تا هنوز نتوانسته‌اند حتا بین خودشان اجماعی در مورد جزئیات و پی‌آمدهای احتمالی مذاکرات صلح افغانستان ایجاد کنند. کارهای پراکنده‌ی آن‌ها صرف پول خرج کردن در موارد گذارایی مانند سروی‌های پراکنده، فراهم‌آوری تسهیلات لوژستیک و مشوره‌دهی‌های خارج از زمینه‌ی افغانستان برای برخی از سیاسیون و انجوه‌های محلی بوده است. بنا بر این، این حلقه‌ی بازیگران در هیأت «ناظران اوضاع» نمی‌توانند تاثیر چندانی بر روند گفت‌وگوها و پی‌آمدهای احتمالی آن داشته باشند. در مجموع، دولت‌ها و نیروهایی که می‌کوشند در گفت‌وگوهای بین‌افغانی نقش نیروی سومی یا تسهیل‌کننده مذاکرات را بازی کنند، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ایالات متحده آمریکا، کشورهای منطقه، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد به شمول کانادا (نمای ۵ را ببینید).

نمای ۵
ایالات متحده: در تلاش میانجی‌گری اولویت: دستاورد سیاست خارجی برای ترمیم در انتخابات هدف: ایجاد دولت مشترکی در افغانستان با حضور طالبان
کشورهای منطقه: مداخله‌گران فعال اولویت: گسترش منافع و نفوذ در افغانستان از طریق طالبان هدف: ایجاد دولت مشترکی در افغانستان با نقش برجسته طالبان
اتحادیه اروپا، ملل متحد و کانادا: ناظران اوضاع هدف: حقوق بشر، آزادی‌های مدنی و نظم دموکراسی نتیجه: ناهمخوانی میان نقش ضعیف و اهداف درشت

مطابق نمای پنج، ایالات متحده آمریکا می‌کوشد، در نقش میانجی فعال، طرفین منازعه را به هر قیمتی به توافق صلح برساند. تمرکز این کشور روی ایجاد مکانیزمی برای تشکیل دولت توافقی میان طالبان و سایر نیروهای سیاسی است؛ ولو شکل و ساختار این دولت اقتدارگرایانه و طالبانی باشد. وزیر خارجه آمریکا در جلسه افتتاحیه دوحه تصریح کرد که کشور او تجربه‌ی خوبی از نظام دموکراتیک دارد، اما دولت‌ش آن را روی دیگران تحمیل نخواهد کرد. دسته‌ی دوم کشورهای که در مذاکرات بین‌افغانی دخیل‌اند شامل

کشورهای منطقه به خصوص پاکستان، ایران، روسیه و چین است که در نقش مداخله‌گران فعال منافع خاصی را در این گفت‌وگوها دنبال می‌کنند و اکثراً با برنامه‌ی طالبان مشکل آشکاری ندارند. این کشورها در سال‌های اخیر کوشیده‌اند مشروعیت سیاسی و منطقه‌ای طالبان را برای تضعیف و زیر سوال بردن نقش و نفوذ آمریکا در افغانستان رونق بیش‌تری بخشند. سوم، اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد و کانادا که تا حالا غالباً در نقش ناظران اوضاع ظاهر شده‌اند، اما مسایلی چون حقوق بشر و آزادی‌های مدنی را به عنوان مسایل مهم افغانستان پس از جنگ برجسته ساخته‌اند که خلاف برنامه طالبان و نگاه کشورهای منطقه در افغانستان بوده است. بنا بر این، ناهم‌خوانی آشکاری میان هدف این بازیگران در افغانستان و نقش ضعیفی که تا اکنون بازی کرده‌اند نمایان است. این بازیگران در هیأت حامیان اهدافی در افغانستان ظاهر شده‌اند که دفاع از آن‌ها در عمل مستلزم نقش فعال‌تر از ناظر اوضاع است. بنا بر این، ایستادن پای اهدافی که آن‌ها برای افغانستان پس از جنگ طرح می‌کنند، نیاز دارد تا نقش‌شان را از ناظر اوضاع به میانجی فعال تغییر دهند.

## جمع‌بندی: دو پی‌آمد احتمالی

اوضاع کنونی، موقعیت طالبان، ترکیب و اهداف هیأت‌های مذاکره‌کننده و اختلاف شدید روی موضوعات سیاسی افغانستان در غیاب میانجی مؤثر بین‌المللی نشانه‌های خوبی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات بین‌افغانی نیست. در این شرایط احتمال این‌که مذاکرات در مراحل ابتدایی به بن‌بست برسد خیلی بالا است. این گفت‌وگوها صرف زمانی به صلح می‌انجامند که شرایط کنونی به اوضاع ایده‌آل برای صلح تغییر کند. تغییر این شرایط مستلزم دولت قوی، کاهش توانایی‌های سیاسی و نظامی طالبان در اثر فشارهای داخلی و خارجی و حمایت بین‌المللی برای صلح عادلانه است.

بنا بر این، روند مذاکرات بین‌افغانی می‌تواند دو پی‌آمد داشته باشد: نخست پی‌آمد مذاکرات در شرایط موجود و دوم نتایج مذاکرات در اوضاع متفاوت و ایده‌آل. واضح‌ترین پی‌آمد مذاکرات در شرایط موجود به درازکشیدن و بن‌بست مذاکرات و دوام جنگ به دلایل ذیل است: در شرایطی که گروه شورشی فعال در میدان جنگ در برابر دولت ضعیف و چندپارچه قرار دارد، شورشیان از مذاکرات تنها به عنوان یکی از گزینه‌های روی دست برای افزایش مشروعیت سیاسی

شرایط مستلزم افزایش فشار سیاسی و بین‌المللی لازم بر طالبان است که این گروه را وادار تا به مذاکره به حیث یگانه‌گزینه‌ی دم دست، نه یکی از چند گزینه‌ی موجود نگاه کند. در هیچ جای جهان، مثالی وجود ندارد که یک گروه ایدیولوژیک شورشی از موضع اقتدار خودش را در نظام موجود مدغم کرده و به صلح تن داده باشد. هم‌چنان مذاکرات صلح زمانی نتیجه می‌دهد که طرفین منازعه حاضر شوند سیاست‌های‌شان را با شرایط موجود و اوضاع جدید کشور هم‌خوان ساخته و از بخشی از خواسته‌های‌شان به دلیل ناهم‌خوانی آن با خواست مردم بگذرند. این امر در افغانستان مستلزم آن است تا طالبان و دولت افغانستان اهداف سیاسی‌شان را به طور شفاف با مردم در میان گذارند. این‌ها هم‌چنان برای جلب اعتماد مردم نیاز دارند در عمل نشان دهند که در چارچوب خواست و آرزوی مردم نیت و اراده‌ی همکاری و هم‌زیستی را در آینده دارند.

شرایط سازگار برای مصالحه هم‌چنان مستلزم آن است تا دولت و طالبان برای جلب اعتماد متقابل نشان دهند که حاضر اند سیاست سنتی «برد و باخت»‌شان را برای رسیدن به صلح به سیاست «برد برد» تعویض می‌کنند. چنین شرایطی هم‌چنان مستلزم آن است تا طرفین در جریان مذاکرات به طور شفاف اعلان کنند که چرا در مواردی سخت‌گیر اند و در مواردی از نرمش کار می‌گیرند. ابراز چنین مسایلی و بحث روی آن‌ها در سپهر عمومی زمینه‌های مورد حمایت و تناقض آن با واقعیت‌های جاری را برجسته ساخته و به تعدیل آن‌ها برای رسیدن به نقاط مشترک در گفت‌وگو کمک می‌کند. هم‌چنان، مذاکرات معطوف به صلح، در بستر جنگی به پیچیده‌گی افغانستان که ریشه‌های چرکین تاریخی دارد، مستلزم نقش فعال میانجیان بین‌المللی است که تا هنوز حضور آن‌ها کم‌رنگ بوده است.

در نهایت، دوام مذاکرات و حتا امضای موافقت‌نامه صلح، گام‌های نخستین برای رسیدن به صلح دائمی در افغانستان خواهد بود. صلح پایدار مستلزم دگرسازی فرهنگ و ساختار جنگ از طریق روند گام‌به‌گام مصالحه‌ی ملی است که به شکیبایی و بخشش فراوان نیاز دارد. این روند نیازمند برنامه‌هایی است که روی علت‌های منازعه در افغانستان کار کند، مناسبات گسسته را پیوند بزند و به گروه‌های جنگی یاد بدهد که چگونه می‌توانند انقطاب و اختلاف را مدیریت کنند، از تفاوت‌ها و تنوعات در جامعه سود ببرند و با پذیرش مسوولیت اعمال خشونت‌بار خویش در گذشته، زنده‌گی صلح‌آمیز در کنار هم‌دیگر را یاد بگیرند. بنا بر این، بهتر است در کنار تلاش برای مذاکراتی که نتایج آن از همین اکنون مکدر است، به صلح به عنوان روند درازمدتی که قرار است علاوه بر پایان دادن به جنگ، فرهنگ و ساختار منازعه را نیز با ایجاد فضای مسالمت‌آمیز دگرگون می‌سازد، نگاه و فکر شود. به میان آوردن چنین شرایط و جامعه‌ای، جز در سایه‌ی یک نظام دموکراتیک ناممکن است.

## «کار کردن در افغانستان برایم رویا بود»

عنوان مشکل دیگر زنان هنرپیشه یاد می‌کند. با این حال، به باور بانو فرزانه، زمینه‌ی پیش‌رفت زنان در بخش هنرپیشه‌گی سینما، نسبت به قبل بیش‌تر شده است. وی می‌افزاید، دختران زیادی در این زمینه تحصیل کرده‌اند که پیش‌رفت چشم‌گیری داشته و توانسته‌اند جوایز متعددی به دست بیاورند. بانو نوابی نیز مانند تمام شهروندان دیگر، نگرانی‌ها و خواسته‌هایی در رابطه با روند صلح در افغانستان دارد و می‌گوید فرهنگ و هنر به دلیل اهمیتی که برای جامعه دارد، باید به عنوان یکی از موضوعات مهم در گفت‌وگوهای صلح مورد بحث قرار گیرد؛ زیرا به باور او اگر فرهنگ تقویت نشود، جامعه‌سازی دشوار خواهد بود.

به باور وی، اگر صلح واقعی برقرار شود، سینما نیز به معنای واقعی آن و با درنظرداشت فرهنگ کشور فعالیت خواهد کرد که در این صورت، اشتراک زنان در فعالیت‌های هنری پررنگ خواهد بود؛ اما اگر در این روند به موضوعات مهم پرداخته نشود، صلحی ناپایدار بر تمام شهروندان تحمیل خواهد شد که در آن صورت نه تنها زنان، بلکه مردان نیز نمی‌توانند در بخش‌های هنری فعالیت کنند.

این بانوی هنرپیشه می‌گوید که پس از این زنان نمی‌خواهند قربانی سنت‌های زن‌ستیزانه و بی‌مفهوم باشند و به عنوان جنس دوم شناخته شوند.

حضور زنان در آن هنوز به صورت کامل پذیرفته نشده و این باعث شده است زنانی که در این حرفه فعالیت می‌کنند، از سوی افراد جامعه با مشکلاتی روبه‌رو شوند. او خود نیز به عنوان یک بانوی هنرپیشه تجربه‌هایی از این دست دارد: «در گوشه‌ای از خیابان‌های اصلی پایتخت ایستاده بودم و قصد گذشتن به آن سوی جاده را داشتم که ناگهان یک موتر که چند سرنشین داشت، بلافاصله با دیدن من، توقف کرد و یکی از آنان با لحنی زشت و خشن گفت، تو همانی نیستی که در تلویزیون کار می‌کنی؟ من بدون این‌که پاسخی بدهم، خواستم به راهم ادامه بدهم که ناگهان آن شخص از موتر پیاده شد و به قصد حمله به سویم دوید. من پا به فرار گذاشتم و به سمتی که یک شفاخانه در آن بود پناه بردم، اما صدای آن شخص هنوز شنیده می‌شد که با صدای بلند دشنام می‌داد و مردم هم تماشایش می‌کردند. تصور کنید اگر نمی‌توانستم فرار کنم، چه می‌شد؟»

دغدغه‌ها و مشکلات این گروه از زنان در افغانستان به گفته‌ی بانو نوابی تنها به این مسایل خلاصه نمی‌شود. او می‌گوید، ناامنی نیز یکی از دلایلی است که باعث می‌شود زنان هنرپیشه نتوانند با ذهنی آسوده و خاطری جمع به محل کار بروند.

بانو نوابی، از ضعف کارکرد مسوولان فرهنگی حکومتی و بخش خصوصی در مورد امتیازات مادی و معنوی، به

پیش از آن در مهاجرت وقتی برنامه‌های خبری کشور را دنبال می‌کردم، هر لحظه خبری از انتحار، انفجار و کشتار را انعکاس می‌داد. این‌ها اراده‌ی ما برای آمدن به افغانستان را تغییر نمی‌داد و می‌دانستم که روزی به این‌جا خواهیم آمد، اما کار کردن در کشورم برایم مثل رویا بود.»

بانو نوابی می‌گوید، وقتی به کشور آمده، چهره‌ی این‌جا بهتر از تصوراتش بوده است: «باید بگویم وقتی به افغانستان آمدم، چیزی که می‌دیدم با ذهنیتی که کتابچه‌ی پدرم و اخبار تلویزیون برایم ساخته بود، بسیار تفاوت داشت. دختران به مکتب می‌رفتند، زنان با هر لباسی که دوست داشتند می‌گشتند و حق کار کردن داشتند و این‌ها برایم لذت‌بخش بود.»

او که به گفته‌ی خودش از کودکی علاقه‌مند بازیگری بوده و حالا به آرزویش رسیده است، هم‌اکنون در کنار هنرپیشه‌گی، خواننده‌گی هم می‌کند و قرار است تحصیلاتش را نیز در بخش هنر ادامه بدهد. بانو فرزانه می‌گوید، حرفه‌ی او برای پیش‌رفت کشور ارزنده و مفید است و او می‌خواهد تا حد توان از طریق این هنر به مردم خدمت کند: «دوست دارم سبب رشد فکری هزاران دختری شوم که به خاطر جنگ و فقر، آرزوهای‌شان را در دل‌شان دفن کرده‌اند.»

با این‌که به آرزویش رسیده و در رشته‌ی مورد علاقه‌اش کار می‌کند، به این باور است که در افغانستان، سینما و

# شهرهای ۱۵ دقیقه‌ای یا استرانی

## کلان‌شهرها در مقابله با کووید-۱۹

محمدامین بیانی و جواد مرادی - انجمن شهرسازان افغانستان

### مقدمه:

امروزه تغییرات سبک زندگی در تمامی جهان به سمت توسعه شهرنشینی بوده است. طی سی سال آینده جمعیت شهری دنیا حداقل ۲٫۵ میلیارد نفر افزایش خواهد داشت. این تغییرات در جهان سوم با سرعت بیش‌تری انجام می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که شهرهای آسیایی در ۱۵ سال آینده، ۳۴۰ میلیون نفر افزایش جمعیت داشته باشند. شهر کابل، به عنوان پرجمعیت‌ترین و بزرگ‌ترین شهر افغانستان، از این روند مستثنا نبوده و در مدت زمان کوتاهی رشد جمعیتی ۴ تا ۶ میلیون نفری را تجربه کرده است؛ ابرشهری که امروزه با مشکلات و معضلات متعددی روبه‌رو است.

از بی‌آمدهای رشد سریع شهرها در افغانستان، گسترش اختیاطوسی شهرها است. رشدی که سبب عدم تعادل، ناهم‌آهنگی و بروز پدیده «پراکنده‌گی شهری» شده است. پراکنده‌گی شهری عبارت است از توسعه بی‌رویه و بی‌برنامه شهرها که نه تنها باعث تخریب فضای پیرامون شده، بلکه موجب توسعه نامتوازن و بی‌قواره‌ی شهرها می‌شود. مشخصه پراکنده‌گی شهری تراکم کم است که به دلیل وجود محدوده‌های عمل‌کردی وسیع منفردمانند پارک‌های اداری، مراکز تجاری خرد و قطعات مسکونی منفرد به وجود می‌آید. اعمار بی‌برنامه و بی‌رویه برخی معابر و سرک‌ها، ناکارآمدی نظام ترانسپورتی، شرایط فرهنگی سکونت در افغانستان، فقر مسکن و استفاده نامطلوب از فضا، شکل‌گیری گتوها در حاشیه شهر، نبود قانون در سیاست‌های قیمت‌گذاری زمین و مسکن و از بین رفتن زمین‌های کشاورزی و عرصه‌های طبیعی، عوامل اصلی پراکنده‌گی می‌باشند.

پراکنده‌گی راندمان بهره‌برداری از امکانات و تجهیزات شهر را کاهش داده و منجر به رقابت ناعادلانه بین افراد فقیر و غنی خواهد شد. یکی از الگوهای آرایه شده در برابر مساله پراکنده‌گی شهر، ایده «شهرهای ۱۵ دقیقه‌ای» است. راه‌حل برنامه‌ریزی شده که برای چندین سال است در پاریس جواب مثبت داده است. با همه‌گیری ویروس کرونا، این راه‌حل توجه شهرهای پیش‌تری در سراسر جهان را به خود جلب کرده است. در این مقاله ایده‌ها و مشاوره‌هایی در مورد چگونگی ایجاد چشم‌انداز ۱۵ دقیقه‌ای شهر و نحوه اجرای آن آورده شده است.

### شهرهای ۱۵ دقیقه‌ای چیست؟

مفهوم شهر ۱۵ دقیقه‌ای کاملاً در تضاد با الگوی برنامه‌ریزی شهری مدرن است که در قرن گذشته مسلط بوده و به موجب منطقه‌بندی آن مناطق مسکونی از تجارت، خرده‌فروشی، صنعت و سرگرمی جدا می‌شوند. با این وجود، بیش‌تر ایده‌ها و اصول زیربنای شهر ۱۵ دقیقه‌ای جدید نیست و بیش‌تر شهرها از قبل حاوی مناطقی هستند که با اصول ۱۵ دقیقه‌ای شهر هم‌سو اند.

### شایان فریور

تغییرات در نوع ارتباطات، پیش‌رفت‌های چشم‌گیر در صنعت و تکنولوژی، روی کار شدن شیوه‌های مدرن کسب و کار، به وجود آمدن راه‌های جدید برای تقویت اقتصاد و پرداختن به مسایل فرهنگی و اجتماعی با شگردهای بی‌سابقه، در کل سازه‌های جهان پیش‌رفته امروز، نوع نگاه مردم را به زندگی عوض کرده است. افغانستان به عنوان یک تابع مصرف‌کننده در سیطره این هژمونی قرار دارد که خواهی نخواهی می‌باید پا به پای این کاروان گام بردارد. افغانستان در طی ۲۰ سال اخیر با همه نابسامانی‌های امنیتی و سیاسی نشان می‌دهد که با قطار جهان تحول یافته همراه است. این تغییرات چشم‌گیر در تمام سطوح اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ارتباطات سطح توقع شهروندان را برای زندگی امروز و فردا بلند برده است.

در چنین شرایط، گفت‌وگو برای صلح با گروهی که دنیا را از سوراخ سوزن می‌بیند و پیش‌رفت‌های ۲۰ ساله را نه تنها این که با نخودی نمی‌خرند، بلکه آن را مردود نیز می‌شمارند، دو سوی بحث برای این گفت‌وگوها به قول علمای منطق جمع مع‌الفارق است. برای به نتیجه رسیدن از این گفت‌وگوها، شباهت‌ها و قرینه‌ها میان نیازها و توقعات شهروند امروز کشور و سماجت گروه طالبان که مدعی سهمین شدن در حکومت کشور است بسیار ضعیف به نظر می‌رسد. اما این گفت‌وگوها یک ارزش بسیار تاریخی دارد. شهروند امروز کشور که رویا ساختن یک افغانستان مرفه و آرام را در سر می‌پروراند، باید آگاهانه به آن وقوف داشته باشد.

در افغانستان مساله تغییر نظام و حاکمیت و انتقال

در سال ۲۰۲۰ مفهوم ۱۵ دقیقه‌ای شهر شتاب گرفته است. اکنون شهرهای پیش‌تری برای حمایت از بازسازی عمیق‌تر و قوی‌تر پس از کووید-۱۹ و کمک به تقویت شیوه زندگی محلی، سالم و پایدارتر که بسیاری از شهروندان آن‌ها خواستار آن هستند، از این مدل استفاده می‌کنند.

پروژه شهر ۱۵ دقیقه‌ای بر این باور استوار است که شهرها هم‌زمان با خروج از دوران کرونا باید تغییراتی ایجاد کنند تا به مکانی امن‌تر، پاک‌تر و عادلانه‌تر تبدیل شوند. بر این اساس، شهرهای چندمیلیون نفری باید موقعیتی را فراهم کنند که همه شهروندان با استفاده از دوچرخه یا به صورت پیاده در ۱۵ دقیقه نیازهای عمومی خود را رفع کنند. با درنظرگرفتن خانه‌های مختلف، همه‌ی اقشار می‌توانند مسکن دلخواه و قابل تأمین خود را داشته باشند و در همان ربع ساعت به محل کار خود برسند یا فرصت‌های دور کاری برای آن‌ها فراهم شده باشد.

کارلوس مورنو، استاد «شهر هوشمند» در دانشگاه پاریس، که این ایده را در پاریس متصور شده است، می‌گوید: «این یک نقشه، یک جاه‌طلبی و یک چشم‌انداز جدید برای شهرها است». او می‌گوید: «ما باید ایده همسایه‌گی شهری را دوباره به دست آوریم و می‌دانیم که بهتر است افراد در نزدیکی محل زندگی خود کار کنند و اوقات فراغت و خدماتی را که در اطرافشان احتیاج دارند نیز داشته باشند. به آن‌ها اجازه زندگی آرام‌تری دهیم». اما کار بسیار مشکلی است، زیرا شغل مردم غالباً به نوعی از خانه‌های‌شان دور بوده و نیاز به برنامه‌ریزی بیش‌تر است. امروز روی‌کرد ما به کار همان روی‌کردی است که برای ۵۰ سال گذشته بوده است.

مورنو، یک فرانسه‌ای-کلمبیایی است که از ۲۰ ساله‌گی در پاریس زندگی می‌کند و ایده خود را «شهر هوشمند زنده» نامیده است. از دیدگاه مورنو در شهر هوشمند

زنده‌گی متراکم‌تر و دوستانه‌تر است و تصویری از یک مدینه فاضله شهری را که مردم یک‌دیگر را می‌شناسند، منعکس می‌کند.

این روی‌کرد مبتنی بر چهار اصل اساسی است: نزدیکی، تنوع، تراکم و همه‌گیر بودن و مناطق مجزایی در سطح شهر باید بتوانند شش کارکرد اجتماعی را انجام دهند:

زنده‌گی، کار، تأمین، مراقبت، یادگیری و لذت بردن. وی با الهام از کار جین جیکوبز، نویسنده و فعال آمریکایی-کانادایی و نویسنده کلاسیک کتاب مرگ و زنده‌گی شهرهای بزرگ آمریکایی، که استدلال می‌کند نزدیکی، کلید اصلی و حیاتی ساختن شهرها است، می‌گوید: شهرها باید دوباره طراحی شوند تا مردم بتوانند به کارکردهای اساسی اجتماعی یک شهر در محله‌های خود دسترسی پیدا کنند. به این طراحی، طراحی شهری سنتی نیز گفته می‌شود.

### وظایف و نقش شهرهای ۱۵ دقیقه‌ای

وظایف و نقش‌های مهم در این شهرهای ۱۵ دقیقه‌ای نیز برعهده خود اهالی خواهد بود. در این ایده به جای توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل به تمام نقاط شهر یا استفاده از انرژی‌های جای‌گزین یا خودروهای برقی، تلاش می‌شود زیرساخت‌های حیاتی در بخش‌های مختلف به صورت یکسان توزیع شود.

### محله‌های ۲۰ دقیقه‌ای ملبورن

پیش از ایده شهرهای ۱۵ دقیقه‌ای، ایده‌ی مشابه در ملبورن استرالیا اجرا شد که به محله‌های ۲۰ دقیقه‌ای مشهور اند. در پروژه استرالیایی‌ها امکاناتی نظیر مارکت‌های محلی، خدمات بهداشتی و صحتی، مکتب و کتابخانه، پارک‌های بازی و فضاهای ورزشی و هم‌چنین خانه‌های ارزان‌قیمت در یک منطقه پوشش داده می‌شوند. علاوه بر این، در این طرح اولویت استخدام و



فرصت‌های شغلی براساس محل زنده‌گی در نظر گرفته می‌شود و از کسب‌وکارهای محلی حمایت خواهد شد.

در محله‌های ۲۰ دقیقه‌ای گرچه حمل‌ونقل عمومی و محلی در نظر گرفته شده است، خطوط متعدد دوچرخه و پیاده‌راه‌ها نیز برای استفاده اهالی ساخته خواهد شد. طرح از سال ۲۰۱۷ در ملبورن آغاز شده و اولین محله ۲۰ دقیقه‌ای در جنوری ۲۰۱۸ به عنوان «پاپلوت» به طور رسمی افتتاح شده است. بر اساس این برنامه و تا پایان سال ۲۰۵۰ تمام ملبورن به محله‌هایی تقسیم خواهد شد که همه‌ی نیازهای خانواده‌ها را در کم‌تر از ۲۰ دقیقه رفع می‌کند.

### آیا افغانستان می‌تواند چنین شهرهایی را برنامه‌ریزی و طراحی کند؟

افغانستان با سابقه بلند در عرصه شهرنشینی، از تجربیات ارزنده‌ای در زمینه خودکفایی محلی شهرها برخوردار است. شهرهای تاریخی کشور ما مانند هرات، بامیان، قندهار و... با این ایده هزاران سال به حیات شهری خود ادامه داده بوده‌اند. امروزه که رشد شهرنشینی فرصت بی‌بدلی برای توسعه ملی است و به دلیل نبود استراتژی و راهبردهای علمی در اداره و حکومت، عدم توجه به اصول شهرسازی در انکشاف شهری و... این فرصت در طول ۲۰ سال به تهدیدی جدی تبدیل شده است. ضروری است که باید سیستم‌های خدمات شهری جدیدی را برنامه‌ریزی کنیم که با خواست‌ها، نیازها و انگیزه‌های امروزی شهروندان افغان منطبق باشد. ایده شهرهای ۱۵ دقیقه‌ای، علاوه بر صرفه‌جویی در اقتصاد و معاش مردم، می‌تواند باعث کاهش شلوغی، ترافیک در معابر و استفاده بهینه از خدمات و زیرساخت‌های شهری گردد. هم‌چنین پیش‌بینی می‌شود که این مدل باعث افزایش امنیت اجتماعی و شهری شود.

ادامه دارد...

## گفت‌وگوی صلح، از عشق آباد تا دوحه

انتقال قدرت ساخته شود. مهم نیست این گفت‌وگوها تا چه زمانی طول می‌کشد، برعکس گفت‌وگوی بیش‌تر سبب می‌شود اعتماد بیش‌تری میان طرفین ایجاد گردد و گره‌های بیش‌تر باز شود. ساختن چنین بستری که مولفه‌های آن برای فردا نیز کارآمد باشد مستلزم دقت و شکیبایی بیش‌تر نماینده‌هایی است که به نیابت از تمام شهروندان کشور با گروه طالبان گفت‌وگو می‌کنند. شهروندان کشور نیز با درک این معضل بزرگ تاریخی مسوولیت دارند که با حوصله‌مندی بیش‌تر این گفت‌وگوها را دنبال کنند و با آرایه نظریات سودمند از موقف نظام جمهوری و ارزش‌های به دست آمده دفاع کنند. یادمان باشد به همان اندازه که ما برای افروختن و هیزم گذاشتن بر آتش جنگ مهارت چندصد ساله داریم برای راهاندازی گفت‌وگوها و تحمل آرای مخالف کم‌حوصله و بی‌تجربه‌ایم. برداشتن باری به چنین سنگینی، صبر ایوب و حوصله‌ای چون کوه می‌طلبد. طالبان که خودشان را خادمان دین می‌پندارند نیز بدانند که بر مبنای احکام و شعایر دین اسلام بیش‌تر از دیگران در خصوص ختم جنگ و آوردن صلح مسوولیت دارند و می‌باید بیش‌تر از دیگران علم‌بردار صلح و آشتی باشند و نگذارند که این فرصت یک‌بار دیگر دنبال نتایج نشست «عشق‌آباد» برود. زیرا پاسخ ناشکیبایی و پشت پا زدن به چنین فرصت‌هایی از هر جنبی که باشد، ندامتی است که نسل‌هایی زیادی را در آتش جنگ و خشونت خواهد نشانند.

تغییر نظام و حاکمیت در کشور، هیچ‌گاهی یک بستر مسالمت‌آمیز برای انتقال قدرت وجود نداشته است. از دوران مشروطه‌خواهان به بعد، تلاش‌های ضعیفی برای باز کردن این کورگه صورت گرفته است، اما به دلایل بی‌شمار نتایج آن از بد بدتر شده است. بنا بر این بستر ایجاد شده برای گفت‌وگوها برای رسیدن به یک نتیجه با گروه طالبان از این حیث حایز اهمیت است.

گفت‌وگو با طالبان تنها مساله ختم جنگ با یک گروه هراس‌افکن نیست بلکه یک فیصله تاریخی است که افغان‌ها باید آن را انجام بدهد. حالا طرف گفت‌وگو چه طالب و چه یک گروه مخالف دیگر، همین که فرصتی گفت‌وگو برای ختم جنگ چندین ساله به وجود آمده با در نظر داشت نکاتی که ذکر شد، از آن باید به عنوان یک فرصت برای ختم جنگ استفاده کرد. اگر پیام «اوربند» و پروسه «روغی جوری» «دکتر نجیب‌الله به گفت‌وگوهای صلح با مجاهدین منتج می‌شد، ۴۰ سال این کشور بر توده خاکستر نمی‌افتاد و چند میلیون شهید و معلول نمی‌داشتیم. حتا در بدترین حالت، اگر نشست‌های «عشق‌آباد» میان گروه مقاومت و طالبان فرصت را برای گفت‌وگوهای بیش‌تر میسر می‌کرد، افغانستان امروز در وضع بهتری می‌بود. بنا نتایج این گفت‌وگو هر چه باشد، افغان‌ها باید از این آموزن تاریخ سر بلند بدر آیند. در صورت دست‌یابی به توافقاتی ممکن است در نتایج این گفت‌وگوها یک سری از ارزش‌ها قربانی شود، اما اهمیت آن را دارد که از این مسیر بستری برای حل منازعات

قدرت یک مساله حل‌ناشده است و تقریباً تا امروز با زور شمشیر و کودتا انجام شده است. در سلسله پادشاهی افغانستان هیچ‌گاهی نشد که باز پادشاهی بر شانه یک دانشمند و یا کشاورز بنشیند. تاج پادشاهی اکثر با خون و ویرانی از پدیری به پسری از برادری به برادری رسیده است. رسیدن به قدرت در نظام تازه به دوران رسیده جمهوریّت کمونیست‌ها نیز با کودتاها و خون‌ریزی‌های بی‌شمار همراه بود. حکومت چند ساله مجاهدین نیز بیخ و بن این سرزمین را برکنند و رسوم تازه شقاوت و خشونت را بنیاد گذاشت. در زمان کوتاه طالبان روح زنده‌گی در این کشور کشته شد و آبرو و حیات آدم‌ها به تار باریک بهانه‌ها بند افتاده بود. از حکومت‌داری ۲۰ سال اخیر نیز مردم چندان دل خوشی ندارد. بدون استثنا در هر نظام و حاکمیتی به نحوی سایه‌ی نامنی و ترس مانند شهبی در کنار زنده‌گی مردم وجود داشت. در تمام این دوره‌های حکومت‌داری در افغانستان از سلسله پادشاهان تا حکومت جمهوری امروز، در مخالفت با نظام‌های حاکم، یک گروهی مدعی قدرت نیز وجود داشته است که یا سبب براندازی نظام گردیده و یا هم مخل امور زنده‌گی روزمره مردم بوده است. متأسفانه به روایت تاریخ این سر زمین تداوم این تنش‌ها اکثر با باعث سقوط نظام‌ها گردیده است و همین که گروه مدعی به قدرت رسیده است چرخه تاریخ به دور تکرار افتاده است.

این دور متناوب تاریخی ما نشان می‌دهد که برای

# حوزه‌ی خصوصی بر حوزه عمومی، مقدم یا مؤخر؟

پوهنیا رویه‌نا نظری

به این صورت است که زن در این سرزمین باوجود به دست آوردن حق در حوزه عمومی، حوزه خصوصی را خلاف میل و رغبت خود می‌داند و احساس می‌کند که چیزهای درهم و برهم اند. و این تزلزل سلامت روانی-اجتماعی زنان را به مخاطره می‌اندازد.

مقدم بودن حوزه خصوصی بر حوزه عمومی از این منظر ارزشمند می‌شود. عدالت باید در درون خانواده نهادینه شود تا با درونی‌سازی آن، زنان و مردان بدون استرس به فعالیت‌ها جهت تعالی شخصیت‌شان بپردازند. تعارض بین این دو حوزه به اضافه استقلال و آزادی زنان، کار آنان را دو چند اضافه می‌سازد که ضررها و پی‌آمدهای جبران‌ناپذیر خواهد داشت. ناسازگاری‌های خانواده‌گی، کشمکش‌ها، نزاع‌ها، بگومگوها و برخی از تنش‌ها همه ریشه در باسواد بودن و شغل‌داربودن زن ندارد، بلکه این معضل و مشکل در نابرابری‌های حوزه خصوصی با حوزه عمومی، نهفته است. وقتی زنان حق کار در بیرون از منزل برحسب قانون اساسی دارند، پس باید حکومت برای حفظ منافع و صحت روان زنان برخی از مسوولیت‌ها را برای مردان و برخی از صلاحیت‌ها را برای زنان در درون خانواده با توشیح قانون و تطبیق پالیسی‌ها تمثیل کند. تعادل و توازن بین آزادی خانواده‌گی و اجتماعی باعث رفاه و بهزیستی می‌شود.

مقدم بودن حوزه خصوصی بر حوزه عمومی به تعدیل نقش‌های پذیرفته شده کمک می‌کند. اگر زنان در حوزه خصوصی فرصت اشتراک نظر، تصمیم‌گیری، مباحثه، پرسش و پاسخ، نقد و تحلیل را داشته باشند به یقین در برون از منزل و شغل‌شان سمبولیک نه، بلکه با اقتدار و توانمند ظاهر خواهند شد. جرأت‌مندی، اعتمادبه‌نفس و عزت نفس از آوان کودکی در انسان شکل می‌گیرد که متأسفانه در سرزمین ما این گونه نیست. تا حد ممکن، شرمیدن، نرم بودن، ظریف بودن، مظلوم بودن، لطیف بودن، مهربان بودن، خاموش ماندن، نخندیدن و نجسیدن، برای دختران معیار بوده است. حتی در جلسات رسمی شغلی نیز خاموشی را ترجیح می‌دهند تا خوب توصیف شوند و به اخلاق و شیوه تربیت‌شان کسی دست نیندازد. بنا بر این زن توانمند در برون از منزل، باید زن توانمند همان منزل باشد. تا بهتر فعالیت کند.

به اضافه، اجتماع نیز تاثیر روی شیوه‌های تربیتی خانواده می‌گذارد. اما این اثرگذاری تدریجی و زمان‌گیر است. خانواده‌های سال ۲۰۲۰ مسکونی کابل با همان خانواده‌های سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵ فرق می‌کنند. دموکراسی و آزادی اجتماعی روی هر یک از مسایل خانواده‌گی تاثیر گذاشته است. اما باز هم نقش‌ها در قالب جنسیت محدود مانده‌اند و رفع این محدودیت، نیازمند حمایت قانونی است. این حمایت قانونی تنها بر تقسیم مسوولیت بر مردان خلاصه نمی‌شود، دولت نیز مسوولیت اخذ بسیاری از مسوولیت‌ها را دارد. دولت مکلف است برای زنان امکانات لازم را جهت همکاری فراهم بیاورد. از جمله شیرخوارگاه‌های باکیفیت با استادان باتجربه‌ی رشته‌ی روان‌شناسی رشد کودک، معیاری‌سازی اماکن خصوصی و دولتی از قبیل شفاخانه‌ها و فروشگاه‌ها با اتاق مخصوص شیردهی و آرامش طفل، فراهم‌سازی کودکستان به معیارهای استاندارد جهانی، دایر نمودن برنامه‌هایی چون شیوه‌های برخورد با طفل و مادر در ایام بارداری و پس‌ازایمان برای مردان و هم‌چنان حفظ و مراقبت فرزند و توجه به دوره‌های مختلف رشد و نمو.

در یک جمع‌بندی کلی، همواره پی‌نظم اجتماعی بودن باعث می‌شود جامعه ساکن بماند و هرگز به سمت تجدد، پویایی و نوگرایی حرکت نکند. بنا بر این، افرادی باید باشند تا نظم اجتماعی را برهم بزنند و تغییر ایجاد کنند که در آن خیر و فلاح طبقه محروم باشد. بر اساس دیالکتیک هگل، وجود تضاد و تناقض، شرط تکامل فکر و طبیعت است و معتقد بود که پیوسته ضدی از ضد دیگری تولید می‌شود. بنا بر این زنان سرسخت، ضد معیارهای پذیرفته شده‌اند و تلاش دارند تا تغییر مطلوب ایجاد گردد و جامعه پیش‌رفت کند.

## اشتراک‌کننده‌گان گردهم‌آبی صلح در هرات

# آتش بس فوری برقرار شود



خلیل روشانی

شماری از اعضای پیشین گروه طالبان باور دارند، حضور افراد منتسب به جریان‌های سیاسی گوناگون در هیأت گفت‌وگوکننده جمهوری اسلامی افغانستان و وابسته‌گی برخی چهره‌های حاضر در ترکیب هیأت طالبان، سبب ایجاد موانع در پیش‌برد گفت‌وگوهای صلح خواهد شد.

اعضای نهاد «مجمع مردمی صلح» که رهبری آن را یکی از فرماندهان پیشین طالبان بر عهده دارد، از حکومت و طالبان می‌خواهند برای پیش‌رفت در مذاکرات نرمی نشان دهند و موانع پیش‌برد گفت‌وگوها نشوند.

شماری از چهره‌های بانفوذ از ولایت‌های هلمند، قندهار، میدان‌وردک، کابل و ننگرهار، با حضور در گردهم‌آبی صلح‌خواهان در هرات، از حکومت و طالبان می‌خواهند هرچه زودتر خشونت‌ها را پایان دهند و آتش‌بس برقرار کنند.

بر پایه گفته‌های سخنرانان این مراسم، هدف گردهم‌آبی این است که صدای صلح‌خواهی را بلند کنند و از دو طرف مذاکره‌کننده بخواهند تا برای آتش‌بس و به میان آمدن صلح در کشور بیش‌تر تلاش کنند. آنان، نبود افراد غیر وابسته در ترکیب دو «گروه مذاکره‌کننده» را از موانع مهم سر راه آمدن صلح و ثمربخش بودن مذاکرات دوحه می‌دانند.

سیداکبر آغا، عضو پیشین گروه طالبان و از اشتراک‌کننده‌گان گردهم‌آبی مردمی صلح، به روزنامه ۸صبح می‌گوید اگر چه به گفت‌وگوهای صلح خوش‌بین است، اما باورمند است که باید در ترکیب هیأت گفت‌وگوکننده حکومت و طالبان شماری به عنوان میانجی نیز حضور داشته باشند.

نماینده‌گان نهادهای گوناگون مردمی که از ولایات غرب، جنوب‌غرب، مرکزی و حتا شرق کشور به این گردهم‌آبی در هرات آمده بودند، همه خسته از جنگ و خون‌ریزی بودند و با شنیدن واژه‌ی صلح چهره‌های‌شان باز می‌شد و حتا از شنیدن صلح خرسند می‌شدند.

عبدالقدیر، که از ناام‌ترین ولایت جنوبی کشور، یعنی هلمند به دنبال صلح تا هرات آمده بود، به روزنامه ۸صبح می‌گوید هر دو طرف درگیر جنگ باید به صلح بیندیشند و دست از زدو خورد بردارند و برای آبادی کشور کنار هم قرار گیرند. او تاکید می‌کند در بیست سال اخیر این مردم بودند که همواره تلفات دادند و هر روز قربانی جنگ‌ها و درگیری‌های حکومتیان و طالبان شده‌اند.

هم‌چنان سیدمحمود هاشمی، که از بالامرغاب، ناام‌ترین ولسوالی ولایت بادغیس، به این گردهم‌آبی حضور یافته بود، از حکومت و طالبان می‌خواهد که خواست مردم را در نظر گرفته و به آمدن صلح سرتاسری در کشور تلاش کنند.

عبدالرزاق سیفی، از ساکنان ولایت فراه، از دو طرف

مذاکره‌کننده، خواهان صلح و به نتیجه رسیدن این گفت‌وگوها است. او می‌گوید: «که سال‌ها است جنگ از مردم ما قربانی گرفته و کشور ما را در عرصه‌های مختلف از پیش‌رفت باز داشته است.» از سویی هم نماینده‌هایی که از دیگر ولایات حوزه غرب در این گردهم‌آبی اشتراک کرده‌اند از حکومت و طالبان می‌خواهند که دست از جنگ بکشند و خواست مردم را نادیده نگیرند.

محمدناصر حفیظی، که از ولایت غور است در این گردهم‌آبی آمده بود، تا صدای صلح‌خواهی مردمش را بلند کند. او براین قضا کرد که دو گروه مذاکره‌کننده باید هرچه زودتر برای به میان آمدن صلح نخست آتش‌بس کنند و دست از به خاک و خون کشیدن هم‌دیگر بردارند و بیش‌تر از این عامل تباهی کشور نشوند.

محمدشفیق رحمانی، از اشتراک‌کننده‌گان هراتی و عبدالصمد نوری، از اشتراک‌کننده‌گان نیمروز، در نخست از طالبان و حکومت درخواست اعلام آتش‌بس کرده و در پایان خواهان به نتیجه رسیدن مذاکرات صلح دوحه قطر شدند. آنان تاکید می‌کنند که دو طرف، برای پایان خشونت و جنگ به توافقاتی که در مذاکرات می‌رسند، پای‌بند باشند.

جلیل‌احمد سفیر، نماینده مردم قندهار، در این گردهم‌آبی صلح مردمی، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید مردم از جنگ خسته شدند، دیگر نمی‌خواهند به کشورهای همسایه آوره شوند، آن‌ها می‌خواهند پس از به میان آمدن صلح سرتاسری در کشور خودشان کار، تحصیل و زنده‌گی کنند.

از سوی دیگر آگاهان امور سیاسی به این باور اند که مذاکرات صلح در دوحه قطر بسیار دشوار و زمان‌بر خواهد بود و برای رسیدن به نتیجه واحد در این گفت‌وگوها باید صبر کرد. غلام‌محمد مصون، از آگاهان امور سیاسی به روزنامه ۸صبح می‌گوید رسیدن به صلح بسیار دشوار و زمان‌بر خواهد بود. او دلیل داشتن این دیدگاه را، نزدیک نبودن دیدگاه‌ها و افکار میان حکومت و طالبان عنوان می‌کند.

آقای مصون تاکید می‌کند که در ۴۰ سال گذشته مردم «هیزم سوخت» بودند و همواره در این مدت حکومت‌ها از بیرون کشور بر مردم تحمیل شده و راه حل بیرون‌رفت از این دشواری‌ها را سهیم شدن مردم در حکومت می‌داند.

اشتراک‌کننده‌گان این گردهم‌آبی صلح‌خواهی، با صدور قطع‌نامه‌ای خواهان آزادی زندانیان دو طرف نبرد، پایان دادن به ملیشه‌سازی از سوی حکومت، بررسی «ترورهای هدفمند» اخیر در کشور و برقراری آتش‌بس سرتاسری شدند.

این در حالی است که پس از ماه‌های انتظار، سرانجام گفت‌وگوهای مستقیم میان هیأت جمهوری اسلامی افغانستان و هیأت طالبان در قطر آغاز شد و قرار است در روزهای آینده دو طرف بر سر موارد مورد اختلاف صحبت کنند.

## «دعوت به داوطلبی روش باز ملی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/UNDP/CDRRP/G/NCB-2020-005

پروژه کاهش‌دهی خطرات ناشی از تغییر اقلیم (CDRRP) وزارت زراعت، آبیاری و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروژه داوطلبی پروژه تهیه و تدارک بسته وسایل جوابگوی برای حوادث به سطحه قریه (Procurement of Community Emergency Response Tools) اشتراک نموده و نقل شرطنامه مربوط را در فلش دسک (حافظه) بشکل رایگان از پروژه مذکور بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز‌العمل تدارکات طور سرپسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۶ به دفتر جلسات تعمیر آمو، منزل دوم، پروژه کاهش‌دهی خطرات ناشی از تغییر اقلیم ارائه نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمی‌باشد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ ۵۰,۰۰۰ پنجاه هزارافغانی بوده، جلسه پیش‌آفر [شایب] مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۶ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر و جلسه آفر گشایی مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۶ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در اطاق جلسات پروژه CDRRP تدویر می‌گردد.

صفحه آرایه: رضا مرادی و عبدالواسع

مسوول رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

ویدیو: حسن آذرمهر

پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۸۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com

نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان

۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com  
مدیرمسوول: معجب مهرداد mujib\_mehrdad@yahoo.com  
معاون مدیرمسوول: وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com  
خبرنگاران: خلیل اسیره، عبدالاحمد حسینی، علی‌شاه حقمیل، حبیب بهش محمدحسین نیک‌خواه  
ویراستار: علی نظری، س.نوبین

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad mujib\_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af  
Youtube.com/HashteSubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.af\_official  
www.8am.af



منبع: مجله فارین افیرس

نویسنده: میسائل کارپتتر

برگردان: غلامغوث عمری، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

## روسیه برای بلاروس چه در ذهن دارد؟

اعتراضات مردمی علیه رژیم استبدادی الکساندر لوکاشنکو در بلاروس، رهبران غربی را از نحوه پاسخ‌دهی روسیه مضطرب ساخته است. مداخله زورمندانه و نظامی بعید از خصلت ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، نخواهد بود. او در تلویزیون دولتی اشاره کرده که لوکاشنکو از او خواسته تا پولیس ضد شورش را در صورتی که وضعیت از کنترل خارج شود، آماده بسازد. به نظر نمی‌رسد که پوتین چنین اقدامی را ترجیح بدهد. کرملین به خاک گرجستان و اوکراین برای جلوگیری از تغییر ژئوپلیتیک آن کشورها به سمت غرب حمله و آن‌ها اشغال کرده است.

اما با این کار، نیوامپریالیست‌های کرملین ریشه‌های عمیقی از مقاومت را در برابر اشغال روسیه کاشتند و حمایت مردمی از یک پارچه‌گی یوروآتلانتیک را در میان جوانان گرجی و اوکراینی تشدید کرده است.

با در نظر داشت نکات و روندهای فوق، پوتین برنامه متفاوتی برای بلاروس در نظر دارد. مسکو به جای اعزام «مردان سبز کوچک» برای اشغال خاک بلاروس، استراتژی «الحاق نرم» را دنبال خواهد کرد؛ استراتژی‌ای که با یک پارچه‌گی اقتصادی و یک ارز مشترک شروع و به دنبال آن یک پارچه‌گی سیاسی از طریق یک سیاست خارجی و دفاعی مشترک آغاز می‌شود و به یک دولت اتحادیه تمام‌عیار تبدیل خواهد شد که به معنای جذب دفاکتو بلاروس به روسیه خواهد بود.

پوتین در چند سال اخیر لوکاشنکو را تحت فشار قرار داده

تا به این طرح اقتصادی روسیه مدغم گردد. روسیه مدت‌ها یارانه‌های زیادی در مورد صادرات نفت در اختیار بلاروس قرار داد. آقای پوتین آن‌ها را به تسلیم اقتصادی مواجه کرده است. از جمله دیگر تاکتیک‌ها، او محدودیت‌هایی را برای صادرات محصولات کشاورزی بلاروس به روسیه وضع کرده است. اکنون مسکو تحت پوشش بحران سیاسی کنونی در حال فرستادن افسران مخفی اطلاعاتی، عملیات‌کننده‌گان سایبری، مشاوران رسانه‌ها، مبلغان و مشاوران امنیتی به بلاروس است. آن‌ها مردان خاکستری‌اند تا مردان سبز کوچک، و تخصص‌شان جنگ سیاسی است. وظیفه فوری آن‌ها زمینه‌سازی برای الحاق نرم است.

کرملین برای رسیدن به این هدف، حداقل در حال حاضر ضرورت به بودن لوکاشنکو در قدرت دارد. مشاوران اعزام شده توسط سازمان امنیتی فدراتیف روسیه در حال گفت‌وگو با رهبران جنبش‌های اعتراضی بوده و آن‌ها را تهدید به مرگ از طریق سرکوب جمعی می‌کنند. به گونه‌ی مثال آن‌ها اخطار داده‌اند که در صورت ادامه یافتن تظاهرات، اطفال‌شان را به یتیم‌خانه‌ها و پرورشگاه‌ها خواهند فرستاد.

استراتژی تجربه شده روسیه برای پایان دادن تظاهرات مدنی در سایر کشورها عبارت از دامن زدن به اختلافات در درون جنبش‌های اعتراضی است. ایجاد اختلاف میان بلاروسی‌های مستقر در شرق و غرب بلاروس، میان کارگران عادی و غیرعادی و مسیحیان و ارتدوکس‌ها مصداق‌های آن است. تلویزیون‌های

روسی در حال متقاعد ساختن بلاروسی‌ها بوده و اظهار دارند که بیداری ملی آن‌ها جزو طرح رهبران و توطئه‌های خارجی، چیزی دیگر نیست.

لوکاشنکو شهروندان متعرض را با «موش» خطاب کردن و ظاهر شدن در کنار پسر نوجوانش که با لباس‌های زرهی آراسته و تفنگ در دست دارد، نه تنها تصویر یک «مرد مردمی» را نشان نمی‌دهد، بلکه مشروعیت وی را نیز زیر سوال می‌برد.

بر اساس یک رای‌گیری پنهانی که توسط یک سازمان غیردولتی در داخل بلاروس انجام شده، حمایت او زیر ده درصد بوده و کرملین از این واقعیت آگاه به نظر می‌رسد. بنابراین در حالی که لوکاشنکو خود در پی انقیاد رهبران اپوزیسیون است، مردان خاکستری کوچک کرملین در حال کنترل نهادهای امنیتی بلاروس مانند کی‌جی‌بی، وزارت داخله و نیروهای مسلح می‌باشد.

در اواخر ماه اگست، گزارش‌هایی منتشر شد که لوکاشنکو با یک مقام ارشد کرملین در محل اقامتش ملاقات کرده است. پس از مدت کوتاهی پوتین به رسانه‌ها گفت که لوکاشنکو «آماده است تا اصلاحات در قانون اساسی، تصویب قانون اساسی جدید و برگزاری انتخابات جدید هم انتخابات پارلمانی و هم انتخابات ریاست جمهوری را بر اساس این قانون اساسی جدید را فراهم نماید».

لوکاشنکو به یک خبرگزاری دولتی بلاروس گفت که آماده گفت‌وگو با اتحادیه‌های دانشجویی و کارگری در مورد اصلاحات جدید قانون اساسی است. با این حال وی با تأکید بر این که هرگز با رهبران جنبش اعتراضی درگیر گفت‌وگو نخواهد کرد، اذعان داشت: من با اوباش آشوب‌گر که در خیابان‌ها تظاهرات می‌کنند، صحبت نمی‌کنم و آن‌ها هیچ گفت‌وگویی نمی‌خواهند.

پیام موازی مسکو و مینسک روشن است: تغییرات قانون اساسی و انتخابات جدید در حال آمدن است، اما از نظر مسکو، تغییرات پیشنهادی قانون اساسی زمینه را برای یک پارچه‌گی اقتصادی بیش‌تر با روسیه هموار خواهد کرد، اما احتمال می‌رود با سست شدن دیکتاتوری لوکاشنکو مواجه گردد.

گسترش نقش پارلمان، به عنوان مثال ظاهراً قدرت را به مردم انتقال می‌دهد، اما در عمل احزاب دست‌نشانده مورد حمایت کرملین را قادر می‌سازد تا نفوذ بیش‌تری اعمال کنند. چنین احزایی در صورتی برای مسکو حیاتی خواهند بود که یک رهبر آینده بلاروس ثابت کند مستقل‌تر از لوکاشنکو است. به همین ترتیب، وعده انتخابات جدید ممکن است امتیازی برای جنبش اعتراضی به نظر برسد، اما مسکو ضرورت به زمان دارد تا یکی از نامزدهای دوست و قابل اعتماد کرملین را برای در اختیار

گرفتن مقام ریاست جمهوری آماده سازد.

با این حال لوکاشنکو و پوتین قبل از این که به برنامه‌های خود ادامه دهند، باید بحران کنونی را خنثا کنند. لوکاشنکو به احتمال زیاد سرکوب علیه رهبران جنبش اعتراضی را در هفته‌های پیش رو افزایش دهد و سازمان استخبارات مرکزی این پلان را عملی بسازد. در عین حال، رژیم بلاروس گفت‌وگوهای سازنده را با شخصیت‌های برجسته بلاروس آغاز خواهد کرد، نه رهبران جنبش‌های اعتراضی، بلکه سیاستمداران سرشناس که می‌توان آن‌ها را برای استحکام روابط قوی با کرملین حساب کرد.

رهبران اتحادیه اروپا، امریکا و دیگر دموکراسی‌های غربی نباید در چنین سناریویی به دام مشروعیت بخشیدن به یک گفت‌وگوی ساختگی بیفتند. نباید اشتباه کنند که با کرملین در مورد رهبران معترض بلاروس صحبت کنند، بلکه باید حداکثر تلاش کنند تا در میز مذاکره نماینده‌گان برجسته تظاهرات بلاروس را هم در کنار داشته باشد.

در واقع دموکراسی‌های غربی باید حمایت شدیدی از بیداری ملی و تظاهرات مدنی بلاروس کنند. جنبش اعتراضی امروز باعث بسیج و متحد بلاروسیان شده و بسیار شباهت به جنبش هم‌بسته‌گی لهستان که ۴۰ سال پیش در کارخانه‌های کشتی‌سازی گدنسک ایجاد گردیده بود، دارد.

رهبران غربی باید این جنبش را در آغوش گرفته و خواسته‌های آن‌ها را گوش دهد: انتخابات جدید در پی انتقال مسالمت‌آمیز و دموکراتیک قدرت، پایان فوری ترور و سرکوب، لغو محدودیت بر رسانه‌ها و آزادی زندانیان سیاسی از خواسته‌های آن‌ها است. شهروندان بلاروس باید بدانند آن‌ها کسانی‌اند که آینده خود را شکل می‌دهند و غرب از صدای آن‌ها برای کشورشان حمایت کند. کشورهای غربی نمی‌توانند و نباید در بلاروس دخالت کنند، اما آن‌ها ابزارهای دیگری در اختیار دارند تا به حل بحران کنونی کمک کنند. آن‌ها می‌توانند عناصر سرکوب‌گر لوکاشنکو را تحریم کرده و از سفر به کشورهای غربی منع و دارایی‌های آن‌ها را در بانک‌های خود منجمد سازند.

بسیاری از سیاستمداران غربی با این ایده که روسیه به بلاروس حمله خواهد کرد و یا از هرگونه ابزار سرکوب‌گرایانه برای در قدرت نگهداشتن لوکاشنکو استفاده خواهد کرد، بی‌حرکت مانده‌اند.

جهت اطمینان، کرملین برای استفاده از اهرم پنهانی به منظور رسیدن به هدف خود از الحاق نرم شومنده نخواهد بود، اما با مقاومت شدید جامعه بلاروس مواجه خواهد شد. در این شرایط دموکراسی‌های غربی نمی‌توانند منفعل یا بدتر از آن حمایت‌کننده گذار و انتقال قدرت تحت کنترل روسیه باشند.

برای بلاروسی‌ها، چنین عمل خیانت وحشیانه به امیدهای آن‌ها خواهد بود و رژیم دیکتاتوری کنونی را با دیکتاتوری به همان اندازه وحشیانه کرملین جای‌گزین خواهد کرد. رهبران غربی باید حمایت تمام‌عیار از جنبش دموکراتیک بلاروس و رهبران سویاتلانا تسیخانوفسکایا کنند.

## صلح تنها پایان جنگ نیست

فهم‌نویسی

**کشورهای بی‌شماری در جهان وجود دارند که حتا در نبود جنگ و کش‌مکش نظامی نیز از صلح پایدار برخوردار نیستند. پاکستان و ایران، دو همسایه نزدیک افغانستان، را به ساده‌گی می‌توان در زمره کشورهای قرار داد که صلح پایدار را تجربه نمی‌کنند.**

چگونه باید انتظار داشت که دیگران از این فرصت‌ها برای برهم زدن صلح در افغانستان استفاده نکنند؟ چگونه باید باور داشت که دیگر بهانه‌ای برای جنگ وجود نخواهد داشت؟

بازارزترین زمینه‌های پرورش صلح پایدار و آرامش دایمی در افغانستان، تحکیم هرچه بیش‌تر مردم‌سالاری و ترویج ارزش‌های حقوق بشری است. تنها بر محور این دو مفهوم، می‌توان اقوام مختلف کشور را بسیج ساخت. تمرین مردم‌سالاری، حاکمیت قانون و برخورداری از حقوق و آزادی‌های بنیادین، فتنه نزاع‌های قومی را در نطفه خاموش کرده و زمینه را برای گسترش حس هم‌بسته‌گی میان مردم مساعد خواهد ساخت. آزادی‌های فردی، افراد جامعه را از سرخوردگی نجات خواهد داد و فضای لازم را برای شکوفایی استعدادهای درونی آن‌ها فراهم خواهد کرد. کاهش فساد مردم را به نظام باورمند خواهد ساخت. تأمین امنیت روانی و جسمی، شهروندان را به کشورشان علاقه‌مند خواهد ساخت و در نتیجه میزان فرار مغزها به شدت کاهش خواهد یافت. تأمین عدالت اجتماعی، تأمین حقوق زنان و اقلیت‌های قومی، قدرت و استحکام سیاسی بیش‌تری به جامعه خواهد داد و سبب افزایش تولید اقتصادی و تسریع روند توسعه سیاسی خواهد شد.

بدین ترتیب با پرداختن به تمام زمینه‌های لازم، صلح پایدار و آرامش دایمی در کشور برقرار خواهد شد. تنها در این صورت است که حتا عوامل بیرونی نیز برای برهم زدن صلح در افغانستان موثریت خود را از دست خواهد داد.

جریان است و روزانه جان انسان‌ها را می‌گیرد. اما این امر به هیچ صورت به معنای تأمین صلح پایدار در افغانستان نیست، زیرا صلح تنها به معنای نبود جنگ نیست.

این‌که پشتی‌بانی از داعیه جمهوریت سرلوحه تیم گفت‌وگوکننده دولت افغانستان در برابر مخالفان مسلح قرار دارد، امری مبارک است. صلح پایدار تحت چتر جمهوریت، حق مسلم افغان‌ها است. اما برای تأمین صلح پایدار نباید تنها به ختم جنگ بسنده کرد، بل باید در تلاش زمینه‌سازی برای صلح پایدار از طریق تأمین ارزش‌های حقوق بشری، استحکام هر چه بیش‌تر مردم‌سالاری، محو فساد، کمک به توسعه اقتصادی، تأمین حقوق اقلیت‌ها و احیای حس هم‌بسته‌گی میان مردم افغانستان بود.

عامل بیرونی برای برهم زدن آرامش کشور، زمانی می‌تواند مؤثر باشد که زمینه‌های لازم داخلی برای آن مساعد شده باشد. در صورتی که حقوق اقلیت‌ها در داخل افغانستان نقض شود، روحیه برتری‌طلبی نژادی در میان تمام اقوام وجود داشته باشد، فساد بیداد کند، مردم در فقر به سر ببرند، حقوق انسانی افراد احترام نشود، آزادی‌های لازم وجود نداشته باشد،

اجتماعی و ده‌ها عامل دیگر، آتش جنگ در این کشورها هر آن می‌تواند سر بلند کند و تمام دار و ندارشان را با خاکستر یکسان سازد.

در پرتو چنین تعریف گسترده‌تر از صلح، به ساده‌گی می‌توان گفت که افغانستان هیچ‌گاهی در طول تاریخ به صلح پایدار دست نیافته است. این کشور همیشه از نبود زمینه‌های لازم برای استقرار صلح پایدار رنج برده است. انکار و نقض حقوق اقلیت‌ها، فساد فلج‌کننده در ادارات دولتی، عقب‌مانی و توسعه‌نیافتگی، رواج سیاست زورمحور، سرکوب سیستماتیک زنان و نقض حقوق اقلیت‌های جنسی، قوم‌محوری و قبیله‌گرایی، فقدان حس هم‌بسته‌گی ملی، برتری‌جویی‌های نژادی، بی‌باوری به مردم‌سالاری و ارزش‌های حقوق بشری و عوامل بی‌شمار دیگر، در کنار جنگ‌های داخلی و تجاوزات بیرونی، به صورت عملی هر نوع امکان تأمین صلح پایدار را در افغانستان از میان برداشته است.

گفت‌وگوهای صلح میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان و گروه‌های متخاصم داخلی دیگر برای خاتمه بخشیدن به جنگ فزینگی است؛ جنگی که همین حالا در

صلح را نباید تنها به معنای نبود جنگ دانست. صلح مفهوم پیچیده‌ای است که در تناسب با وضعیت نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه قابل تعریف است. صلح به حالتی گفته می‌شود که در آن مردم یک جامعه منازعات سیاسی و غیرسیاسی‌شان را با استفاده از راهکارهای صلح‌آمیز و قانونی حل‌وفصل می‌کنند. موجودیت راهکارهای صلح‌آمیز و قانونی برای حل منازعات، پیش‌شرط اصلی صلح پایدار در هر جامعه‌ای است. برای ایجاد این پیش‌شرط، تأمین امنیت روانی در کنار امنیت جانی و مالی مردم، تضمین آزادی‌های فردی و حقوق بشری به شمول حقوق اقلیت‌های قومی و جنسی، تقویت مردم‌سالاری، ایجاد رفاه اقتصادی و تأمین عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد و... نقش اساسی و بلامنزاعی در جوامع انسانی بازی می‌کنند.

کشورهای بی‌شماری در جهان وجود دارند که حتا در نبود جنگ و کش‌مکش نظامی نیز از صلح پایدار برخوردار نیستند. پاکستان و ایران، دو همسایه نزدیک افغانستان، را به ساده‌گی می‌توان در زمره کشورهای قرار داد که صلح پایدار را تجربه نمی‌کنند. هرچند این کشورها از پیشرفت‌های خوب اقتصادی و نظامی برخوردار اند و عملاً درگیر جنگ و کش‌مکش نظامی نیز نیستند، اما به علت نقض چشم‌گیر حقوق بنیادین انسان‌ها، نقض حقوق اقلیت‌ها، فقدان عدالت اجتماعی، نبود امنیت روانی، سرکوب آزادی‌های فردی، فقدان احساس هم‌بسته‌گی ملی در میان تمام لایه‌های